



A Critical Analysis of the Tensions between Modernism and Postmodernism in Contemporary Tehran Architecture

ARTICLE INFO

Article Type

Applied research

Authors

Mohammadreza

Pourzargar^{1*}

Ghazal Hajighassemi²

How to cite this article

Ma

URL: <http://>

ABSTRACT

Aims: This study aims to critically analyze the opposition, continuity, and coexistence of Modernist and Postmodernist discourses in contemporary Tehran architecture. Its practical objective is to demonstrate how these two movements have been reinterpreted and how they have influenced the formation of the architectural language of contemporary Tehran.

Methods: The research adopts a qualitative approach and an analytical–interpretive method. First, the theoretical foundations and key characteristics of Modernist and Postmodernist architecture are examined. Subsequently, a set of representative examples of contemporary Tehran architecture is purposively selected and analyzed. A comparative analysis of the two discourses.

Findings: The findings indicate that the opposition between Modernism and Postmodernism in Tehran cannot be reduced merely to two contradictory formal languages. Modernism has emerged in many projects through an emphasis on rationality, functionalism, technology, and geometric order, whereas Postmodernism, through references to history, semiotics, plurality of meaning, and vernacular elements, has constituted a critical response to modern homogenization. Nevertheless, a significant part of contemporary Tehran architecture has resulted from the simultaneous combination and reinterpretation of components associated with both approaches.

Conclusion: Inadequate understanding of modernity, combined with the rapid approach adopted during the second Pahlavi period, ultimately contributed to the inappropriate reproduction of a Postmodern reaction in Iranian architecture and urbanism—an issue commonly discussed in the literature as the opposition between Modernism and Postmodernism in contemporary Tehran architecture. The study proposes placing Islamic–Iranian identity at the center of the discourse to establish a framework for negotiating among tradition, modernity, identity, and globalization.

Keywords: Modernism; Postmodernism; contemporary Tehran architecture; architectural criticism; architectural identity; contextualism; Islamic–Iranian identity.

CITATION LINKS

1., Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

2. M.Sc. in Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

*Correspondence

Address: Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Email:

moh.pourzargar@iauctb.ac.ir

Article History

Received:

Accepted:

Published:

[1]. Saleh's (AS) Adjacent Texture. Naqshejahan-Basic studies and New Technologies of..... [2]. Riyahizadeh M, Falamaki M, Pourzargar M. Reading the Relationship between Historicism..... [3]. Ghomeshi M, Pourzargar M, Mahdaviinejad M. A Healthy Approach to Post-COVID... [4]. Mahdaviinejad M, Hosseini SA. Data mining and content analysis of the jury citations of the Pritzker... [5]. Diba D. Contemporary architecture of Iran. *Architectural Design*. 2012 May;82(3):70-9.... [6]. Alizadeh F, Motamedmanesh M, Daneshjoo K. Tehran's Modern Architectural Heritage... [7]. Fardpour S, Dolatabadi F, Mahdaviinejad M. Contemporization of the Concept of Semantic.... [8]. Mahdaviinejad M, Shahri S. Contemporization of Tehran Traditional Architecture by.. [9]. Iranishad A, Habib F. Reconnection to Context: Place-based Contemporization and Reuse of.... [10]. Aghaeimehr M, Gharehbaglou M. Identity-Based Contemporization; Case Study: Iran... [11]. Mazaherian H, Keynoosh A, Keynoosh A. Endogenous versus Conventional... [12]. Riahizadeh M, Falamaki M. and Pourzargar M. Reading the Relationship between... [13]. Mehan A. "Tabula Rasa" planning: creative destruction and building a new urban identity... [14]. Abedini H, Ayvazian S, Diba D. Explaining the Theoretical Model for the Role of... [15]. Bayzidi Q, Etessam I. Explanation of Regionalistic Viewpoints & their Evolution in... [16]. Latifi M, Daneshjoo K. The Creation of an Architectural Work within the Creation of the... [17]. Latifi M, Diba D. Data Mining of the Spatial Structure of Qajar Native Housing... [18]. Latifi M, Mahdaviinejad M, Diba D. The Home Architecture Data Mining from a Spatial.... [19]. Latifi M, Mahdaviinejad M. Contemporization of Isfahan Indigenous Housing Model based...



تحلیلی انتقادی برای تقابل مدرنیسم و پست مدرنیسم در معماری معاصر تهران

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: تحقیق کاربردی

نویسندگان

محمدرضا پورزرگر *

غزال حاجی قاسمی *

اهداف: این پژوهش با هدف تحلیل انتقادی تقابل، تداوم و هم‌نشینی گفتمان‌های مدرنیسم و پست‌مدرنیسم در معماری معاصر تهران انجام شده است. هدف کاربردی آن است که نشان دهد این دو جریان چگونه بازتفسیر شده و چه تأثیری بر شکل‌گیری زبان معماری معاصر تهران داشته‌اند.

روش‌ها: پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیلی-تفسیری انجام شده است. ابتدا مبانی نظری و ویژگی‌های شاخص معماری مدرن و پست‌مدرن بررسی شده و سپس مجموعه‌ای از نمونه‌های شاخص معماری معاصر تهران به صورت هدفمند انتخاب و تحلیل شده‌اند. مقایسه تطبیقی نمونه‌ها، امکان شناسایی وجوه تقابل، تداوم و تلفیق میان دو گفتمان را فراهم کرده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که تقابل مدرنیسم و پست‌مدرنیسم در تهران را نمی‌توان صرفاً به دو زبان متضاد فرمی تقلیل داد. مدرنیسم در بسیاری از پروژه‌ها با تأکید بر عقلانیت، عملکردگرایی، تکنولوژی و نظم هندسی ظهور یافته، در حالی که پست‌مدرنیسم با ارجاع به تاریخ، نشانه‌شناسی، چندمعنایی و عناصر بومی، واکنشی انتقادی به یکسان‌سازی مدرن ایجاد کرده است. با این حال، بخش قابل توجهی از معماری معاصر تهران حاصل ترکیب و بازتفسیر هم‌زمان مؤلفه‌های این دو رویکرد است.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد عدم درک صحیح از مدرنیته، و رویکرد شتابزده دوران پهلوی دوم، در عمل به بازتولید نادرست واکنشی پست مدرن در معماری و شهرسازی منجر شد چیزی که در ادبیات موضوع از آن با عنوان تقابل مدرنیسم و پست‌مدرنیسم در معماری معاصر تهران یاد میشود. پژوهش پیشنهاد میکند که هویت اسلامی-ایرانی باید در کانون بحث قرار گیرد تا بستری برای مذاکره میان سنت، مدرنیته، هویت و جهانی‌شدن فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: مدرنیسم؛ پست‌مدرنیسم؛ معماری معاصر تهران؛ نقد معماری؛ هویت معماری؛ زمینه‌گرایی؛ هویت اسلامی-ایرانی.

۱. استاد گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۲. کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نویسنده مسئول *

moh.pourzargar@iauctb.ac.ir

تاریخ مقاله

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

ارجاع‌دهی

پ

URL: <http://>

مقدمه

معماری معاصر تهران نمونه ای بسیار ارزشمند برای درک معماری معاصر ایران محسوب می‌شود [۱-۳]. معماری معاصر تهران را نمی‌توان بدون توجه به تجربه پیچیده ایران از مدرنیته، نوسازی و مواجهه با جهان غرب تحلیل کرد؛ زیرا جریان های اصلی معماری مدرن در آلمان، فرانسه، ایتالیا و بعداً در آمریکا ریشه‌های حرکت معماری مدرن را در سراسر جهان فراهم آوردند [۴-۵]. تهران در سده بیستم نه تنها مهم‌ترین عرصه تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، بلکه آزمایشگاهی برای تجربه‌های جدید معماری و شهرسازی نیز بوده است. روند مدرن‌شدن تهران [۹-۶] با تغییر در ساختار شهر، خیابان‌ها، الگوی سکونت، فناوری ساخت و سازمان فضایی همراه شد و در نهایت، معماری را از بسیاری از الگوهای سنتی خود فاصله داد. پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهند که نوسازی تهران بخشی از پروژه گسترده‌تر دولت برای ایجاد یک ایران مدرن و بازتعریف هویت ملی [۱۳-۱۰] بود.

با این حال، مسئله مدرنیته در ایران را نمی‌توان معادل انتقال ساده معماری غربی به یک زمینه غیرغربی دانست. شکل‌گیری مدرنیسم ایرانی حاصل تعامل میان آموزش معماری غربی، سیاست نوسازی، نیازهای اجتماعی، فرهنگ بومی و تلاش برای تعریف هویت ملی بود. ادبیات موضوع [۱۴-۱۵] نشان می‌دهد که گفتمان مدرن بین‌المللی در دهه ۱۹۵۰ در فرآیند شهرسازی ایران جذب و با شرایط بومی تلفیق شد و نوعی مدرنیسم ایرانی را شکل داد؛ این مهم در خانه‌های ایرانی [۱۶-۲۰] در مقایسه دوره قاجار با دوره پهلوی قابل مشاهده است. از سوی دیگر، در دوره پهلوی دوم، سرعت توسعه اقتصادی، رشد شهرنشینی و ورود فناوری‌های جدید، فاصله میان سنت و مدرنیته را افزایش داد. در این دوره، معماری تهران شاهد شکل‌گیری بناهایی بود که از یک‌سو تحت تأثیر آموزش و نظریه‌های معماری مدرن قرار داشتند و از سوی دیگر تلاش می‌کردند با تاریخ و فرهنگ ایران [۲۱-۲۳] ارتباط برقرار کنند. از این منظر، پست‌مدرنیسم در ایران را نیز نمی‌توان صرفاً به‌عنوان یک سبک وارداتی و متأخر در نظر گرفت.

اهمیت و ضرورت موضوع را بایست در جایگاه مهم طراحی معماری در کیفیت زندگی مردم جستجو کرد. در روزگاری که

فناوری های روزآمد و پیشرفته معماری و شهرسازی [۲۴-۲۸] چهره بناهای را متفاوت کرده اند، "هویت" دارای جایگاهی منحصر به فرد شده است. بازگشت به تاریخ، استفاده از نشانه‌های بومی، توجه به معنا و تلاش برای مقابله با یکنواختی زبان مدرن، بخشی از واکنش معماری ایران به بحران مدرنیته بود. پس از انقلاب اسلامی نیز مفاهیمی مانند سنت، هویت ایرانی-اسلامی، منطقه‌گرایی و بازگشت به عناصر تاریخی جایگاه پررنگ‌تری در گفتمان معماری پیدا کردند. مبانی نظری پژوهش با تأکید بر اهمیت هویت اسلامی-ایرانی ساخته شده است. معماری معاصر را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان مجموعه‌ای از فرم‌ها، سبک‌ها و تکنیک‌های ساختمانی مطالعه کرد؛ بلکه معماری در عمیق‌ترین معنای خود، صورت مادی نحوه‌ای از اندیشیدن به انسان، جامعه، تاریخ، مکان و آینده است [۲۹-۳۲]. از این منظر، تحولات معماری در قرن بیستم و به‌ویژه ظهور مدرنیسم و پست‌مدرنیسم، تنها تغییراتی در زبان فرمی معماری محسوب نمی‌شوند، بلکه بازتاب دگرگونی‌های بنیادین در تلقی انسان از عقلانیت، تاریخ، سنت، فناوری، شهر و هویت هستند.

ایتالیا همواره یکی از جایگاه‌های مهم در شکل‌گیری مبانی نظری معماری [۳۳-۳۴] بوده است. اهمیت این مسئله در اندیشه نظریه‌پردازان برجسته معماری ایتالیا، به‌ویژه در فضای فکری ونیز، به‌وضوح قابل مشاهده است. مانفردو تافوری با قرار دادن معماری در بستر تاریخ، ایدئولوژی، اقتصاد و سیاست، نشان داد که معماری مدرن را نمی‌توان جدا از ساختارهای اجتماعی و تاریخی تولیدکننده آن فهم کرد. از منظر او، بحران معماری مدرن صرفاً بحران فرم نبود، بلکه بحرانی در رابطه میان پروژه معماری، ایدئولوژی و واقعیت تاریخی بود. مطالعات مربوط به تافوری نیز بر همین روش تاریخی-انتقادی و نقد فاصله میان ایدئولوژی‌های آوانگارد و واقعیت اجتماعی و تاریخی معماری تأکید دارند. در مقابل، آلدو روسی با بازاندیشی در مفهوم شهر، معماری را از منطق صرفاً عملکردگرایانه مدرنیسم فاصله داد و مفاهیمی همچون گونه، مکان، ماندگاری، مصنوع شهری و حافظه جمعی را در مرکز نظریه معماری قرار داد. در اندیشه روسی، شهر یک ساختار تاریخی و حافظه‌مند است؛ پدیده‌ای که در طول زمان شکل می‌گیرد و تغییر می‌کند و در عین حال، برخی عناصر آن

در پست مدرنیسم را نمی‌توان صرفاً یک بازگشت تزئینی دانست؛ بلکه باید آن را واکنشی به محدودیت‌های معماری مدرن و تلاش برای بازگرداندن معنا، ارتباط و تنوع به معماری تلقی کرد. نمایشگاه خیابان نوویسیما نیز دقیقاً با بازگشت نمادین به مفهوم خیابان و تأکید بر قدرت ارتباطی معماری، در برابر برخی اصول جنبش مدرن قرار گرفت.

این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که از بستر اروپایی به جوامعی منتقل شود که تجربه مدرنیته در آنها با شرایط تاریخی متفاوتی شکل گرفته است. تهران یکی از نمونه‌های مهم این وضعیت است. مدرنیزاسیون شتابان، توسعه زیرساخت‌ها، ورود فناوری‌های جدید، تغییر الگوهای سکونت، گسترش آموزش معماری مدرن و دگرگونی ساختار اجتماعی در دوره پهلوی، زمینه شکل‌گیری معماری مدرن و تحول کالبدی تهران را فراهم کرد. در مقابل، واکنش‌های بعدی به این روند در بسیاری از موارد با بازگشت به تاریخ، سنت و نشانه‌های فرهنگی همراه شد. با این حال، مسئله اصلی این است که آیا این بازگشت واقعاً به معنای بازاندیشی انتقادی در سنت و تاریخ بوده است، یا در مواردی صرفاً به استفاده از عناصر تاریخی به‌عنوان نشانه‌های صوری و تزئینی محدود شده است؟ به بیان دیگر، آیا پست مدرنیسم در تهران توانست بحران مدرنیته را به‌صورت نظری و معماری حل کند، یا تنها زبان جدیدی برای بیان همان بحران ایجاد کرد؟

از این منظر، تقابل مدرنیسم و پست مدرنیسم در معماری معاصر تهران باید به‌عنوان یک مسئله تاریخی، نظری و هویتی مورد بررسی قرار گیرد. تهران نه کاملاً مدرن است و نه کاملاً سنتی؛ بلکه شهری است که در آن لایه‌های مختلف تاریخ، مدرنیته، حافظه، فناوری، سنت، جهانی‌شدن و هویت به‌طور همزمان حضور دارند [۳۵-۳۸]. بنابراین، معماری معاصر آن نیز حاصل تعامل و گاه تعارض همین نیروهای متضاد است. ضرورت پژوهش حاضر دقیقاً از همین نقطه ناشی می‌شود. اگر مدرنیسم صرفاً با حذف تاریخ و سنت [۳۹-۴۰] تعریف شود و پست مدرنیسم نیز صرفاً با بازگرداندن عناصر تاریخی، آنگاه هر دو رویکرد در نهایت به دو قطب صوری تقلیل خواهند یافت. ورود اندیشه‌های پایداری [۴۱-۴۴] به معماری و شهرسازی ایران و سایر کشورهای در حال توسعه، اهمیت ویژه‌ای برای رویکردهای کل‌نگر [۴۵-۴۸] و یادگیری از

به‌صورت تداوم‌های پایدار شهری باقی می‌مانند. از این منظر، گذشته چیزی نیست که معماری معاصر الزاماً باید از آن فاصله بگیرد؛ بلکه می‌تواند به‌عنوان منبعی برای بازتفسیر معماری در زمان حال عمل کند. پژوهش‌های مرتبط با اندیشه روسی نیز بر رابطه میان گونه، مکان، حافظه جمعی و تداوم تاریخی تأکید دارند. در سوی دیگر این بحث، پائولو پورتوگزی یکی از مهم‌ترین چهره‌هایی است که به‌طور مستقیم به بحران معماری مدرن و ظهور پست مدرنیسم پرداخت. پورتوگزی در کتاب «پست مدرن: معماری جامعه پسا صنعتی»، پست مدرنیسم را به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ معماری معرفی کرد. او در سال ۱۹۸۰، با برگزاری نخستین نمایشگاه بین‌المللی معماری ونیز با عنوان «حضور گذشته» و سازمان‌دهی بخش «خیابان نوویسیما»، زمینه را برای بازگشت تاریخ، تنوع، نشانه، خیابان و ارتباط معماری با مخاطب فراهم کرد؛ رویکردی که در برابر اصول سخت‌گیرانه و جهان‌شمول جنبش مدرن قرار می‌گرفت. در نتیجه، بررسی همزمان دیدگاه‌های تافوری، روسی و پورتوگزی نشان می‌دهد که مسئله مدرنیسم و پست مدرنیسم را نمی‌توان به تقابل ساده میان «فرم مدرن» و «فرم تاریخی» تقلیل داد. در واقع، سه پرسش بنیادی در این مناقشه شکل می‌گیرد:

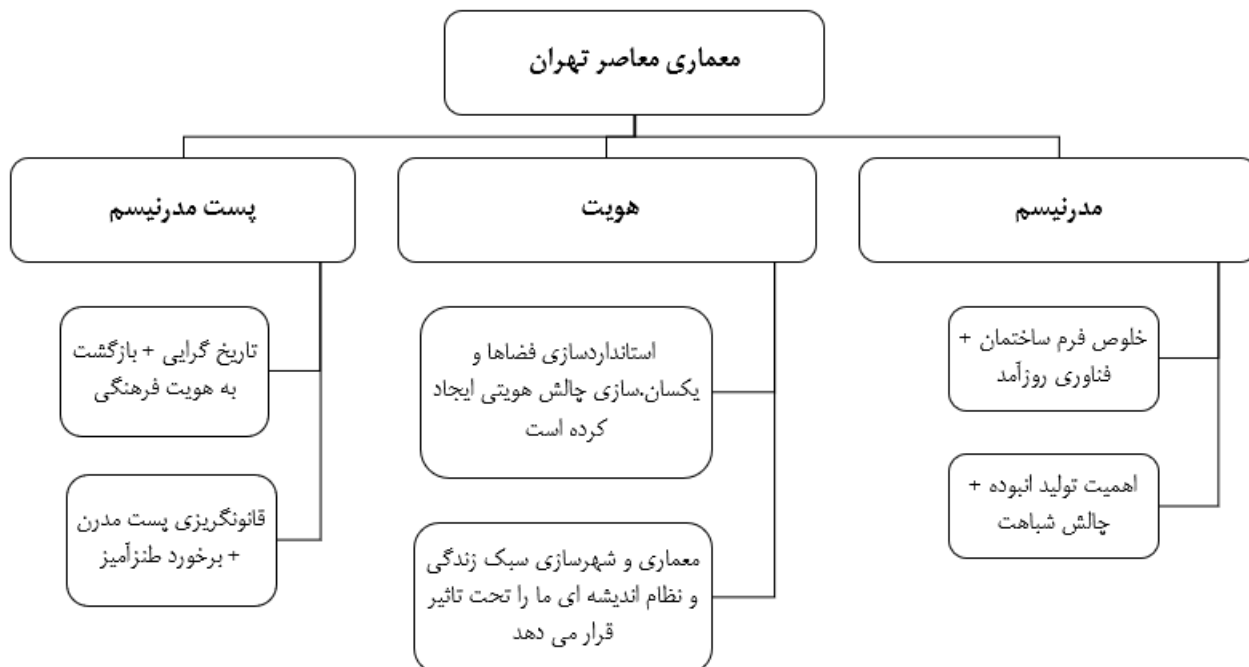
- نخست، معماری مدرن در چه شرایط تاریخی و ایدئولوژیکی تولید شد؟
- دوم، رابطه معماری و شهر با تاریخ، مکان و حافظه چگونه شکل می‌گیرد؟ و
- سوم، آیا بازگشت به تاریخ و معنا در پست مدرنیسم توانسته است محدودیت‌های مدرنیسم را به‌صورت انتقادی پشت سر بگذارد؟

ریشه‌های بیان مسئله پژوهش را بایست در تقابل میان مدرنیسم و پست مدرنیسم در معماری معاصر تهران جستجو کرد. از این منظر، یکی از صریح‌ترین صورت‌بندی‌ها را از مسئله‌ای ارائه کرد که در قلب پژوهش حاضر قرار دارد: آیا معماری مدرن با حذف تاریخ، سنت و نشانه‌های فرهنگی، بخشی از ظرفیت ارتباطی خود با جامعه را از دست داده است؟ در نگاه پورتوگزی، معماری باید دوباره امکان گفت‌وگو با شهر، تاریخ و مردم را به دست آورد. از همین رو، بازگشت به تاریخ

فرضیه اساسی پژوهش بر این مبنا استوار است که هویت اسلامی-ایرانی باید در کانون گفتمان معماری معاصر قرار گیرد؛ نه به عنوان مجموعه‌ای از عناصر تاریخی، تزئینات یا نشانه‌های صوری، بلکه به مثابه یک نظام زنده و پویا از ارزش‌های فرهنگی، فضایی، اجتماعی و تاریخی. چنین رویکردی می‌تواند بستری برای مذاکره و تعامل میان سنت و مدرنیته، هویت و جهانی‌شدن فراهم آورد و از دوگانه‌سازی میان پذیرش کامل الگوهای معماری مدرن و بازگشت صوری به گذشته عبور کند. بر این اساس، معماری معاصر تهران می‌تواند از طریق بازتفسیر انتقادی مؤلفه‌های هویت اسلامی-ایرانی در مواجهه با فناوری، تحولات اجتماعی، الزامات معاصر و جریان‌های جهانی، به جای تقلید از گذشته یا تبعیت از الگوهای جهانی، به الگویی زمینه‌مند و معاصر دست یابد؛ الگویی که در آن تاریخ و آینده، سنت و نوآوری، مکان و جهانی‌شدن نه در تقابل، بلکه در یک رابطه خلاق، انتقادی و مولد قرار گیرند. (شکل ۱)

پیشینه فرهنگی [۴۹-۵۳] ایجاد کرده است. تقابل مدرنیسم و پست‌مدرنیسم در معماری معاصر تهران، یک چالش تمام عیار است. در مقابل، خوانش تافوری، روسی و پورتوگیزی نشان می‌دهد که مسئله عمیق‌تر است: مدرنیته چگونه تجربه می‌شود، تاریخ چگونه در معماری حضور پیدا می‌کند، و معماری چگونه میان ضرورت‌های زمان حال و تداوم تاریخی خود رابطه برقرار می‌کند؟

بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکردی انتقادی می‌کوشد تقابل و تعامل مدرنیسم و پست‌مدرنیسم را در معماری معاصر تهران بررسی کند و نشان دهد که این تقابل را نمی‌توان صرفاً به تغییر سبک‌های معماری فروکاست؛ بلکه باید آن را در چارچوب رابطه میان مدرنیته، تاریخ، مکان، حافظه، معنا و هویت تحلیل کرد. بنابراین، پرسش اساسی این پژوهش آن است که آیا معماری معاصر تهران واقعاً شاهد تقابل مدرنیسم و پست‌مدرنیسم بوده است، یا آنچه مشاهده می‌شود نتیجه نوعی مذاکره، تلفیق و بازتفسیر میان مدرنیته، سنت و هویت است؟



شکل ۱. تعامل و تقابل مدرنیسم و پست مدرنیسم و هویت معماری امروز ما

الگوی فضایی، حافظه، تجربه زیسته و تداوم تاریخی جست‌وجو کرد.



خانه آورو، تورین، ۱۹۸۷ طراحی آلدو روسی

تافوری تئاتر جهان (Teatro del Mondo)، طراحی آلدو روسی را نمونه‌ای از بازگشت تاریخ، حافظه و فرم‌های کهن الگوگرایانه به معماری معاصر می‌داند. روسی با قرار دادن یک حجم هندسی، بسته و ایستا در فضای سیال و تاریخی ونیز، به جای تقلید مستقیم از معماری محلی، از تضاد میان فرم و مکان برای تولید معنا استفاده می‌کند. بنا همچنین به عنوان یک «فرم در حال سفر»، از طریق حرکت بر آب و مواجهه با منظر و بناهای تاریخی ونیز، به بخشی از تجربه مکان تبدیل می‌شود. بدین ترتیب، معماری روسی میان تاریخ، حافظه، فرم و مکان رابطه‌ای انتقادی برقرار می‌کند. [۶۱]



تئاتر جهان (Teatro del Mondo)، طراحی آلدو روسی، ونیز، ۱۹۷۹؛ فرم تاریخی و هندسی در گفت‌وگو و تضاد با سیالیت تاریخی - فضایی شهر [۶۱]

مانفردو تافوری: تاریخ، ایدئولوژی و نقد مدرنیسم

نقطه آغاز چارچوب نظری پژوهش، اندیشه مانفردو تافوری است. اهمیت تافوری در این پژوهش در آن است که وی

مواد و روش‌ها

چارچوب نظری پژوهش بر سه دیدگاه مکمل از نظریه معماری ایتالیا استوار است: مانفردو تافوری، آلدو روسی و پائولو پورتوگزی. انتخاب این سه نظریه‌پرداز به این دلیل است که هر یک، یکی از ابعاد اصلی مسئله مورد مطالعه را روشن می‌کنند: تافوری زمینه تاریخی و ایدئولوژیک مدرنیسم را آشکار می‌سازد؛ روسی رابطه معماری با شهر، مکان و حافظه را توضیح می‌دهد؛ و پورتوگزی بحران مدرنیسم و ظهور پست‌مدرنیسم را از طریق بازگشت تاریخ، معنا و ارتباط معماری با جامعه تبیین می‌کند. در کنار آن، نظریه معماری سرآمد [۳۹ و ۴۸] و سایر نظریات مشهور معماری معاصر جهان [۵۴-۶۰] به خدمت گرفته شده‌اند. انتخاب هوشمندانه نظریات مانفردو تافوری، آلدو روسی و پائولو پورتوگزی به پژوهش کمک می‌کند به درستی به تحلیل تعامل و تقابل معماری معاصر تهران بپردازد.

آلدو روسی: شهر، تیپ، مکان و حافظه جمعی

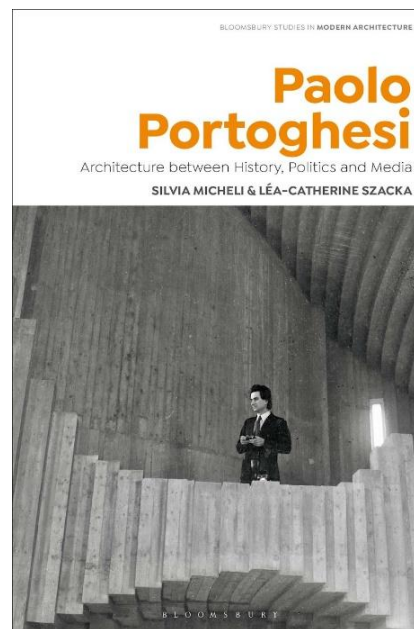
اندیشه آلدو روسی شهر را یک محصول صرفاً عملکردی نمی‌داند؛ بلکه آن را یک ساختار تاریخی می‌داند که در طول زمان شکل گرفته و حامل حافظه جمعی است. در نظریه او، مفاهیمی مانند گونه، مکان، ماندگاری، مصنوع شهری و حافظه جمعی امکان فهم رابطه میان معماری، شهر و تاریخ را فراهم می‌کنند. شهر همچون متنی تاریخی است که آثار دوره‌های مختلف در آن باقی می‌مانند و به تولید معنا می‌پردازند. از این منظر، برخی عناصر شهری فراتر از عملکرد اولیه خود، به عناصر پایدار حافظه و هویت شهری تبدیل می‌شوند. اهمیت روسی برای پژوهش حاضر در این است که امکان عبور از دوگانه «مدرنیسم در برابر سنت» را فراهم می‌کند. تاریخ لزوماً چیزی نیست که معماری معاصر باید از آن تقلید کند؛ بلکه می‌تواند در قالب تیپ، ساختار شهری، مکان و حافظه جمعی بازتفسیر شود. بر این اساس، نظریه روسی برای پاسخ به پرسش زیر به کار گرفته می‌شود: معماری معاصر تهران چگونه با مکان، حافظه تاریخی و تداوم فرهنگی شهر ارتباط برقرار می‌کند؟

این پرسش به‌ویژه برای بررسی مفهوم هویت معماری اهمیت دارد؛ زیرا هویت را نمی‌توان صرفاً در استفاده از عناصر تاریخی و تزئینی جست‌وجو کرد، بلکه باید آن را در رابطه میان مکان،

معماری ارتباط دارد. پورتوگزی در کتاب «پست مدرن: معماری جامعه پسا صنعتی»، پست مدرنیسم را به عنوان نقطه عطفی در تحول معماری معرفی کرد و به مسئله پایان انحصار اصول سخت گیرانه مدرنیسم پرداخت. در اندیشه او، تاریخ، سنت، نشانه، تنوع و ارتباط با شهر بار دیگر وارد قلمرو معماری می شوند. اهمیت نظری اندیشه پورتوگزی برای این پژوهش، به ویژه در رویداد «حضور گذشته» در دوسالانه معماری ونیز در سال ۱۹۸۰ آشکار می شود. او با سازمان دهی این نمایشگاه و بخش «خیابان نوویسیما» فضایی ایجاد کرد که در آن معماران مختلف امکان بازاندیشی در تاریخ، خیابان، نما، نشانه و زبان معماری را پیدا کردند. این رویداد بعدها به یکی از نقاط عطف شکل گیری بحث بین المللی درباره پست مدرنیسم در معماری تبدیل شد. پورتوگزی در نقد معماری مدرن، بر از دست رفتن ظرفیت ارتباطی معماری با جامعه تأکید می کرد. در ارتباط با پروژه «خیابان نوویسیما» نیز بر این ایده تأکید داشت که معماری باید بار دیگر بتواند با مردم و شهر ارتباط برقرار کند. بنابراین، نظریه پورتوگزی در این پژوهش برای پاسخ به پرسش زیر به کار گرفته می شود: آیا بازگشت تاریخ، نشانه و معنا در پست مدرنیسم توانست محدودیت های معماری مدرن را پشت سر بگذارد، یا خود به بازتولید سطحی تاریخ در قالب نشانه های معماری منجر شد؟ این پرسش برای تحلیل معماری معاصر تهران اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا بسیاری از واکنش های معماری به مدرنیسم در ایران نیز از طریق بازگشت به عناصر تاریخی، بومی و هویتی صورت گرفته اند.

مسجد بزرگ رم برای بحث حاضر نمونه ای بسیار مناسب است؛ زیرا پائولو پورتوگزی در طراحی مسجد رم صرفاً به بازتولید فرم های تاریخی اسلامی نپرداخت، بلکه رویکردی مبتنی بر «گوش دادن به مکان» (Listening to the Place) را دنبال کرد. در این رویکرد، سنت معماری اسلامی با معماری اصیل ایتالیایی، معماری باروک، طبیعت و ویژگی های تاریخی و مادی مکان وارد گفت و گو می شود. از این رو، استفاده از مصالحی همچون تراورتن، پیرینو، آجر و مرمر سفید نیز به خوانش تاریخی و زمین شناختی مکان مرتبط می شود. [۶۳-۶۴]

معماری مدرن را نه یک سبک خودبسنده، بلکه بخشی از ساختار پیچیده تاریخی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک مدرنیته می داند. از دیدگاه تافوری، پروژه مدرن معماری حامل آرمان هایی درباره بازسازی جامعه، شهر و زندگی روزمره بود؛ اما میان این آرمان ها و شرایط واقعی تولید معماری فاصله ای اساسی وجود داشت. روش تاریخی-انتقادی او دقیقاً همین فاصله را آشکار می کند. مطالعات نظری درباره تافوری نشان می دهند که او رابطه میان ایدئولوژی های آوانگارد و واقعیت اجتماعی و تاریخی معماری را به صورت انتقادی بررسی می کرد. بنابراین، در این پژوهش، نظریه تافوری به عنوان ابزاری برای پاسخ به این پرسش به کار گرفته می شود: مدرنیسم معماری تهران تحت تأثیر چه شرایط تاریخی، اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیکی شکل گرفت؟ این رویکرد اجازه می دهد معماری مدرن تهران صرفاً به عنوان تقلید از معماری غرب تفسیر نشود، بلکه به عنوان بخشی از فرآیند گسترده تر مدرنیزاسیون ایران مطالعه شود.



پائولو پورتوگزی: معماری میان تاریخ، سیاست و رسانه. نویسندگان: سیلویا میکلی و لئا-کاترین شاتسکا [۶۲]

پائولو پورتوگزی: پست مدرنیسم، بازگشت تاریخ به معماری: سومین پایه نظری پژوهش، پائولو پورتوگزی است که به صورت مستقیم با شکل گیری گفتمان پست مدرن در



پائولو پورتوگزی معمار مطرح گرایش پست مدرن که انتقاد از مدرنیسم را با تاکید بر اهمیت الهام گرفتن از موتیف های سنتی در طراحی معماری دنبال کرد



مسجد بزرگ رم نتیجه درخشش پائولو پورتوگزی و ویتوریو جیلیوتی (ایتالیایی) و سامی موساوی (عراقی) در مسابقه بین المللی ۱۹۷۵ که نمودی چشمگیر از تلفیق تاریخ، مکان و هویت در معماری پست مدرن را به نمایش گذاشت [۶۳-۶۴]

چارچوب نظری پژوهش

سه نظریه فوق، سه سطح متفاوت اما مکمل از مسئله مدرنیسم و پست مدرنیسم را آشکار می کنند:

بر اساس این سه دیدگاه، پژوهش حاضر مدرنیسم و پست مدرنیسم را دو سبک کاملاً منفک و متضاد در نظر نمی گیرد؛ بلکه آنها را دو مرحله و دو واکنش متفاوت در فرآیند مواجهه معماری با مدرنیته تلقی می کند. در این چارچوب، تافوری نشان می دهد که مدرنیسم درون یک ساختار تاریخی و ایدئولوژیک شکل گرفته است؛ روسی نشان می دهد که معماری نمی تواند از شهر، مکان، تاریخ و حافظه جمعی جدا شود؛ و پورتوگزی نشان می دهد که بحران

مدرنیسم زمینه بازگشت تاریخ، معنا، تنوع و ارتباط معماری با جامعه را فراهم کرد. از سوی دیگر در ادبیات پژوهش [۶۵-۷۲] می توان ردپای امروزین این تحولات را نیز مشاهده نمود. بنابراین، فرض نظری پژوهش این است که تقابل مدرنیسم و پست مدرنیسم در معماری معاصر تهران را نمی توان به یک تضاد سبکی تقلیل داد. این تقابل در سطح عمیق تر، بازتاب کشمکش میان عقلانیت مدرن و تداوم تاریخی، میان جهان شمولی و مکان مندی، میان گسست و حافظه، و میان نوآوری و هویت است. از این منظر، مسئله اصلی معماری معاصر تهران نه انتخاب میان «مدرنیسم» و «پست مدرنیسم»، بلکه چگونگی بازتعریف رابطه میان مدرنیته و تاریخ است.

جدول ۱. نظریه پردازان کلیدی و چارچوب مفهومی تحلیل معماری مدرن و معاصر

نقش در پژوهش	مفهوم اصلی	نظریه پرداز
تحلیل رابطه معماری با شهر، مکان، تاریخ و حافظه	گونه - مکان - ماندگاری - حافظه جمعی	آلدو روسی
تحلیل زمینه تاریخی و ایدئولوژیک شکل گیری مدرنیسم	تاریخ - ایدئولوژی - نقد	مانفردو تافوری
تحلیل واکنش پست مدرنیسم به محدودیت های مدرنیسم	پست مدرنیسم - تاریخ - کثرت گرایی - ارتباط	پائولو پورتوگزی

این پروژه در بستر متفاوتی تحقق یافت. [۲۹] دولت پهلوی از نوسازی معماری و شهرسازی به عنوان بخشی از پروژه مدرن سازی کشور استفاده کرد. خیابان کشی های جدید، ساختمان های اداری، تأسیسات عمومی و تغییر الگوی سکونت تهران از مهم ترین نمودهای این تحول بودند. [۲۹] اما مسئله اساسی این بود که مدرنیته ایرانی الزاماً از مسیر همان تجربه تاریخی غرب عبور نکرده بود. در نتیجه، بخشی از مؤلفه های مدرن بدون شکل گیری کامل زیرساخت های اجتماعی، فرهنگی و نظری آن وارد معماری شدند. این مسئله باعث شد مدرنیسم در ایران از ابتدا ماهیتی دوگانه داشته باشد: از یک طرف تلاش برای دستیابی به جهان مدرن و از طرف دیگر تلاش برای حفظ یا بازسازی هویت ایرانی. شمس العماره را نمودی از ورود معماری جریان غربگرا به کشور دانسته اند، زمانی که معماران ایرانی دریافتند که اروپا چه پیشرفت بزرگی در قرن های هفدهم، هجدهم و نوزدهم دست یافته است. شمس العماره، تهران، ۱۲۴۴-۱۲۴۶ ه.ش. (۱۸۶۵-۱۸۶۷ م).؛ طراحی معیرالممالک (دوستعلی خان نظام الدوله)، با نظارت و دستور ناصرالدین شاه قاجار، متأثر از معماری اروپایی [۷۳]



شمس العماره، تهران، ۱۲۴۴-۱۲۴۶ ه.ش. (۱۸۶۵-۱۸۶۷ م).؛ طراحی معیرالممالک (دوستعلی خان نظام الدوله)، با نظارت و دستور ناصرالدین شاه قاجار، متأثر از معماری اروپایی [۷۳]

معماری زمانی می تواند از این دوگانه عبور کند که تاریخ را نه به عنوان یک سبک قابل تقلید، بلکه به عنوان یک منبع زنده برای تولید معنا، مکان و هویت معاصر درک کند. بر همین اساس، چارچوب نظری پژوهش حاضر بر سه محور اصلی استوار می شود:

۱. نقد مدرنیسم: تاریخ، ایدئولوژی و شرایط اجتماعی تولید معماری - تافوری
۲. تداوم تاریخی-مکانی: شهر، تیپ، مکان، تداوم و حافظه جمعی - روسی
۳. واکنش پست مدرن: بازگشت تاریخ، معنا، تنوع و ارتباط معماری با جامعه - پورتوگزی

این سه محور در نهایت به یک مسئله واحد منتهی می شوند: چگونگی شکل گیری هویت معماری معاصر تهران در فاصله میان مدرنیته و تاریخ. در نتیجه، پرسش محوری پژوهش را می توان چنین صورت بندی کرد: آیا معماری معاصر تهران حاصل تقابل دو گفتمان مدرنیسم و پست مدرنیسم است، یا می توان آن را به عنوان فرآیندی از مذاکره، بازتفسیر و تعامل میان مدرنیته، تاریخ، مکان، حافظه و هویت فهم کرد؟ و پرسش بنیادی تر آن است که: چگونه می توان از دوگانه مدرنیسم-پست مدرنیسم عبور کرد و به خوانشی از معماری معاصر تهران دست یافت که در آن مدرنیته و تداوم تاریخی-فرهنگی نه در تقابل، بلکه در یک رابطه انتقادی و مولد قرار گیرند

یافته های پژوهش

مدرنیسم در تهران؛ از تقلید تا بازتفسیر: مدرنیسم معماری را نمی توان صرفاً مجموعه ای از ویژگی های فرمی مانند سطوح ساده، حذف تزئینات یا استفاده از بتن و شیشه دانست. مدرنیسم در معنای گسترده تر، بخشی از پروژه اجتماعی و فکری مدرنیته بود که عقلانیت، کارکرد، فناوری، استانداردسازی و آینده گرایی را در مرکز قرار می داد. در ایران،

یکی از اشتباهات رایج در تحلیل معماری مدرن ایران، تعریف آن به عنوان تقلید مستقیم از غرب است. شواهد تاریخی تصویر پیچیده تری ارائه می کنند. آموزش معماران ایرانی در مدرسه بوزار پاریس و سپس انتقال این دانش به ایران نقش مهمی در شکل گیری معماری مدرن ایران داشت. پژوهش های جدید نشان می دهند که رابطه ایران و فرانسه و آموزش معماران ایرانی در بوزار در شکل گیری صورت خاصی از مدرنیسم ایرانی تأثیرگذار بوده است. در تهران، این فرآیند به ایجاد ساختمان ها و فضاهایی انجامید که همزمان حامل تکنولوژی و منطق مدرن و نشانه هایی از هویت ملی بودند. بنابراین می توان سه مرحله مفهومی را تشخیص داد:

۱. پذیرش و انتقال مدرنیته؛
۲. بومی سازی نسبی مدرنیسم؛
۳. واکنش انتقادی به مدرنیسم.

ایستگاه راه آهن تهران ۱۳۱۴-۱۳۱۷ ه.ش. / ۱۹۳۵-۱۹۳۸ م. طراحی آندره گدار و ماکسیم سیرو که به عقیده منتقدین بنا در گروه نمونه های «معماری کاملاً اروپایی» در تهران دوره پهلوی اول قرار می گیرد. منابع معماری آن را در کنار وزارت دادگستری و ساختمان های دانشگاه تهران، نمونه هایی از ورود مستقیم الگوهای اروپایی به معماری تهران می دانند. معمار اصلی ایستگاه راه آهن یک نمونه تقلیدی از معماری آلمانی شناخته شده است. معمار اصلی آن یک معمار آلمانی که با نام موسیو هق شناخته می شود؛ مهندس محاسب آن یک مهندس اوکراینی که به عنوان دستیار موسیو هق معرفی شده است، به نام ولادیسلاو ولادیسلاوویچ گاردیتسکی بود که در سال ۱۸۶۳ متولد شده و در سال ۱۹۲۰ به لهستان مهاجرت می کند. [۲۲] مرحله سوم زمینه شکل گیری گرایش هایی را فراهم کرد که بعدها با مفاهیمی مانند منطقه گرایی، سنت گرایی، بوم گرایی و پست مدرنیسم توصیف شدند.



ایستگاه راه آهن تهران ۱۳۱۴-۱۳۱۷ طراحی آندره گدار و ماکسیم سیرو، نوعی از معماری که نوعی از معماری کاملاً اروپایی با سبک مدرن باوهاوسی

جدول ۲. نمونه های موردی منتخب در تحلیل تحولات معماری تهران

دلیل انتخاب	نمونه های پیشنهادی	بخش یافته ها
ورود مدرنیسم، نهادهای جدید، تلفیق فناوری و ارجاعات ایرانی	برج آزادی، موزه هنرهای معاصر تهران، ساختمان تئاتر شهر	جایگاه مدرنیسم و معماری مدرن در تهران
حرکت از الگوهای بین المللی مدرن به سوی بازخوانی اقلیم، فرم و معماری ایرانی	موزه هنرهای معاصر تهران، برج آزادی، ساختمان های مسکونی و اداری دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰	مدرنیسم در تهران؛ از تقلید تا بازتفسیر
آشکار شدن بحران رابطه میان مدرنیته، سنت، تاریخ و هویت	موزه هنرهای معاصر تهران به عنوان نمونه گذار، ساختمان های دهه ۱۳۶۰-۱۳۷۰، معماری پس از انقلاب	بحران مدرنیسم و ظهور پست مدرنیسم
بررسی بازگشت تاریخ، نشانه، تزئین و عناصر ایرانی و امکان تبدیل شدن آنها به «بازنمایی صوری»	فرهنگسرای نیاوران، موزه هنرهای معاصر تهران، برخی ساختمان های پست مدرن دهه ۱۳۷۰	پست مدرنیسم ایرانی؛ نقد یا بازتولید؟
بررسی اینکه هویت در معماری امروز چگونه میان جهانی شدن، بازار، فناوری، خاطره و زمینه شکل می گیرد	برج میلاد، پل طبیعت، مجتمع تجاری ارگ تجریش، نمونه های معماری مسکونی معاصر	معماری معاصر تهران و مسئله هویت

بنابراین، بازگشت به گذشته الزاماً به معنای بازگشت به هویت نیست. این نکته یکی از محورهای اصلی نقد حاضر است.

مدرنیسم شتابزده و دانشگاه‌های کم‌رمق

فشار دربار باعث شد تا نوعی مدرنیسم شتابزده در کشور با سرعتی بالا تزریق شود. در دوره پهلوی دوم، مدرنیسم در ایران با سرعتی بسیار زیاد وارد عرصه‌های مختلف اجتماعی، آموزشی و معماری شد؛ اما این حرکت الزاماً از یک برنامه نظری و تدریجی برای بومی‌سازی مدرنیته برخوردار نبود. در نتیجه، معماری مدرن در ایران بیش از آنکه صرفاً حاصل یک تحول درون‌زا باشد، به عرصه‌ای برای مواجهه، جذب، اقتباس و بازتفسیر جریان‌های مختلف معماری غربی تبدیل شد. این وضعیت در دانشگاه‌های معماری تهران به‌وضوح قابل مشاهده است؛ دانشگاه‌هایی که هر یک، به تدریج نماینده نوع متفاوتی از مواجهه با مدرنیسم شدند.

در این میان، دانشگاه تهران را می‌توان یکی از نخستین کانون‌های نهادینه‌شدن آموزش معماری مدرن در ایران دانست. آموزش معماری در این دانشگاه تحت تأثیر میراث معماری اروپا، به‌ویژه سنت **بوزار فرانسه** و سپس آموزه‌های **باوهاوس آلمان** و جریان‌های مدرن اروپای مرکزی شکل گرفت. بنابراین، دانشگاه تهران نماینده یک جریان کاملاً یکدست نبود، بلکه ترکیبی از سنت آکادمیک اروپایی و مدرنیسم نوین را در آموزش معماری به نمایش می‌گذاشت. این ترکیب، از یک سو به حرفه‌ای‌شدن و مدرن‌شدن آموزش معماری در ایران کمک کرد و از سوی دیگر، فاصله میان نظام آموزش معماری و زمینه تاریخی، اجتماعی و فرهنگی ایران را آشکارتر ساخت.

در مقابل، شکل‌گیری دانشگاه ملی ایران (دانشگاه شهید بهشتی) در دهه ۱۳۳۰، فضای تازه‌ای در آموزش معماری ایجاد کرد. این دانشگاه که در مقایسه با دانشگاه تهران نهادی جوان‌تر بود، به تدریج با جریان‌های معماری ایتالیایی و اروپایی، و به‌ویژه با رویکردهای روشنفکرانه‌تر و انتقادی‌تر ارتباط پیدا کرد. اهمیت این جریان صرفاً در سبک معماری آن نبود؛ بلکه در تغییر نگاه از «ساختن معماری مدرن» به «اندیشیدن درباره معنای معماری مدرن» بود. توجه به تاریخ، شهر، نشانه، زمینه و مسئله هویت، زمینه‌ای را فراهم کرد که

بحران مدرنیسم و ظهور پست‌مدرنیسم

معماری معاصر تهران نمونه‌ای بحران مدرنیسم و ظهور پست‌مدرنیسم است. پست‌مدرنیسم در معماری واکنشی به برخی محدودیت‌های مدرنیسم بود. در این رویکرد، معماری دیگر الزاماً به دنبال یک زبان جهانی، واحد و عقلانی نبود؛ بلکه تاریخ، نشانه، خاطره، معنا، زمینه و چندگانگی اهمیت بیشتری پیدا کردند. اما انتقال این گفتمان به تهران شرایط متفاوتی داشت. در غرب، پست‌مدرنیسم تا حد زیادی واکنش درونی به بحران‌های معماری مدرن بود. در ایران، این واکنش در شرایطی اتفاق افتاد که خود مدرنیته هنوز به‌طور کامل درونی نشده بود. از این رو، می‌توان یک پارادوکس تاریخی را مطرح کرد:

- معماری ایران در حالی به نقد مدرنیسم پرداخت که هنوز بخش مهمی از جامعه و ساختار معماری آن در فرآیند پذیرش و تجربه مدرنیته قرار داشت.
- این وضعیت باعث شد پست‌مدرنیسم در بسیاری از موارد نه به‌عنوان یک نظریه انتقادی عمیق، بلکه به‌صورت استفاده از نشانه‌های تاریخی و عناصر تزئینی ظاهر شود.

مطالعات معماری معاصر ایران نیز بر استمرار تعامل میان سنت و مدرنیته و شکل‌گیری فضای «میان» این دو تأکید کرده‌اند. ادبیات موضوع همیشه مطرح میکند که پست‌مدرنیسم ایرانی [۴۰]؛ در میان نقد یا بازتولید سرگردان است. یکی از مهم‌ترین مسائل در تحلیل معماری معاصر تهران، تمایز میان پست‌مدرنیسم انتقادی و پست‌مدرنیسم صوری است. پست‌مدرنیسم انتقادی می‌تواند به معنای بازاندیشی در رابطه میان معماری، تاریخ، جامعه و مکان باشد؛ اما پست‌مدرنیسم صوری ممکن است صرفاً به استفاده از قوس، ستون، کاشی، الگوهای تاریخی یا نشانه‌های معماری سنتی محدود شود. این تمایز در تهران اهمیت ویژه‌ای دارد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، توجه به هویت ایرانی-اسلامی در گفتمان رسمی معماری افزایش یافت [۷۴-۷۵] و استفاده از عناصر تاریخی و اسلامی در بسیاری از ساختمان‌ها گسترش پیدا کرد. با این حال، پژوهش درباره تزئینات معماری معاصر ایران نشان می‌دهد که در موارد زیادی، این عناصر به صورت کپی‌های کم‌کیفیت از نمونه‌های تاریخی بازتولید شده‌اند.

همچنان بی‌پاسخ باقی ماند: آیا معماری ایران باید مدرنیسم غربی را تقلید کند، آن را نقد کند، یا امکان تولید یک مدرنیسم ایرانی را فراهم آورد؟

همین بحران، زمینه نظری مهمی برای حرکت بعدی معماری ایران فراهم کرد: گذار از مدرنیسم به جست‌وجوی هویت، تاریخ، نشانه، زمینه و معنا. از اینجا است که می‌توان ظهور گرایش‌های پست‌مدرن و سپس معماری معاصر تهران را نه یک گسست ناگهانی، بلکه نتیجه یک فرآیند تاریخی دانست؛ فرآیندی که از تقلید مدرن → بازتفسیر مدرن → بحران مدرنیسم → نقد پست‌مدرن → بازگشت مسئله هویت حرکت می‌کند.

معماری معاصر تهران و مسئله هویت

هویت معماری را نمی‌توان به شکل، نما یا تزئین محدود کرد. هویت معماری حاصل رابطه میان مکان، فرهنگ، خاطره، عملکرد، جامعه، فناوری و معنا است. از این منظر، معماری می‌تواند دارای نمای کاملاً مدرن باشد اما از نظر فرهنگی ریشه‌دار باشد؛ همان‌گونه که ساختمانی با استفاده گسترده از قوس، کاشی و الگوهای سنتی ممکن است فاقد هویت واقعی باشد. این مسئله در خانه‌های معاصر تهران نیز مشاهده می‌شود. مطالعات مربوط به مسکن دوره پهلوی دوم نشان می‌دهند که ارزش‌هایی مانند حریم خصوصی و مهمان‌پذیری همچنان در سازمان فضایی خانه‌های مدرن ایرانی حضور داشتند؛ بنابراین، حتی در فرآیند مدرن‌شدن، برخی ارزش‌های سنتی به شکل جدیدی بازتفسیر شدند. در نتیجه، هویت را باید یک فرآیند بازتفسیر دانست، نه یک مجموعه عناصر قابل کپی.

جدایی دانش معماری از صنعت ساختمان کشور

در سال‌های منتهی به دهه ۱۳۵۰، فضای معماری ایران به تدریج تحت تأثیر چند جریان آموزشی، حرفه‌ای و فکری متفاوت قرار گرفت که هر یک برداشت خاصی از نسبت میان معماری، جامعه، تاریخ، فناوری و مدرنیته داشتند. این جریان‌ها صرفاً تفاوت‌هایی در سبک یا شیوه طراحی نبودند، بلکه هر یک نوع متفاوتی از دانش معماری را نمایندگی می‌کردند.

بعدها با برخی مباحث انتقادی و پست‌مدرن معماری هم‌پوشانی پیدا کرد.

به این ترتیب، در فضای دانشگاهی تهران نوعی دوگانگی شکل گرفت: از یک طرف، دانشگاه تهران با وجه آکادمیک، هنری و ترکیب بوزار فرانسه - باوهاوس آلمان؛ و از سوی دیگر، دانشگاه شهید بهشتی با گرایش‌های اروپایی، روشنفکرانه و انتقادی‌تر. این دو مسیر، دو پاسخ متفاوت به مسئله مدرنیسم بودند، اما هیچ‌یک به تنهایی نتوانستند بحران اصلی را حل کنند: چگونه می‌توان مدرن بود، بدون آنکه معماری از تاریخ، اقلیم، فرهنگ و هویت ایرانی جدا شود؟

در دهه‌های بعد، ظهور دانشگاه‌ها و دانشکده‌های جدید، از جمله دانشگاه علم و صنعت ایران، بخشی از این فضای آموزشی را تغییر داد. گرایش این جریان بیشتر به سمت یک آموزش فنی، مهندسی، پلی‌تکنیک و تکنولوژیک بود. این رویکرد را می‌توان واکنشی به دو قطب پیشین دانست: از یک سو فاصله گرفتن از وجه هنری و آکادمیک دانشگاه تهران و از سوی دیگر فاصله گرفتن از رویکردهای روشنفکرانه و انتقادی دانشگاه شهید بهشتی. در اینجا معماری بیش از پیش در ارتباط با تکنولوژی، ساخت، صنعت و عملکرد تعریف می‌شد. با این حال، این مسیر نیز بخشی از همان مسئله تاریخی را با خود حمل می‌کرد. همان‌گونه که نئو-باوهاوس در آمریکا تلاش کرده بود میراث باوهاوس را با شرایط جدید صنعتی، تکنولوژیک و آموزشی پیوند دهد، جریان پلی‌تکنیک در ایران نیز می‌کوشید معماری را از قلمرو صرفاً هنری خارج کرده و به دانش فنی و تولید مرتبط کند. بنابراین، می‌توان این مرحله را نه صرفاً «دورشدن از مدرنیسم»، بلکه تغییر صورت مدرنیسم از مدرنیسم هنری به مدرنیسم تکنولوژیک دانست. از این منظر، مسئله اصلی پهلوی دوم را نمی‌توان صرفاً «ورود مدرنیسم» دانست؛ مسئله مهم‌تر، شتاب مدرنیزاسیون بدون شکل‌گیری یک نظریه منسجم درباره نسبت مدرنیته با ایران بود. دانشگاه‌ها هر کدام بخشی از این خلأ را با یک الگوی وارداتی یا اقتباسی پر کردند: دانشگاه تهران با ترکیب آکادمیک-هنری، دانشگاه شهید بهشتی با رویکرد روشنفکرانه-انتقادی و دانشگاه علم و صنعت با رویکرد فنی-پلی‌تکنیک. پیامد این وضعیت، در نهایت نوعی سرخوردگی و بحران نظری در آموزش معماری بود؛ زیرا پرسش اصلی

جدول ۳. مقایسه تطبیقی معماری مدرن و پست مدرن با نمونه‌هایی از ایران و جهان و چالش هویت

نمونه در ایران	نمونه در جهان	معماری پست مدرن	معماری مدرن	مؤلفه
معماری مدرن اولیه تهران ← برخی بناهای پست مدرن تهران	ویلای ساووا؛ لوکوروبوزیه ← میدان ایتالیا؛ چارلز مور	بازگشت انتقادی یا انتخاب‌گرانه به تاریخ و حافظه	گسست نسبی از گذشته و جست‌وجوی زبان جدید	نگرش به تاریخ
نمونه‌های مدرن دهه ۱۳۴۰ ← خانه‌ها و مجتمع‌های پست مدرن دهه ۱۳۷۰	ساختمان سیگرام؛ میس ← ساختمان پورتلند؛ مایکل گریوز	سنت به عنوان منبع معنا، نشانه و بازتفسیر مورد توجه قرار می‌گیرد	سنت اغلب مانعی برای شکل‌گیری زبان جدید تلقی می‌شود	سنت
ساختمان‌های مدرن دهه ۱۳۴۰-۱۳۵۰ ← نماهای پست مدرن دهه ۱۳۷۰	ساختمان سیگرام؛ میس ← ساختمان پورتلند؛ گریوز	پیچیده، ترکیبی، چندلایه و گاه تاریخی	ساده، انتزاعی، هندسی و خالص	فرم
معماری مدرن متأخر تهران ← نماهای نئوکلاسیک و پست مدرن تهران	ویلای فارس؛ لوکوروبوزیه ← ساختمان پورتلند؛ گریوز	بازگشت تزئینات، نشانه‌ها و ارجاعات تاریخی	حذف یا کاهش تزئینات غیرضروری	تزئینات
ساختمان‌های اداری و مسکونی مدرن ← مجتمع‌های تجاری و مسکونی پست مدرن	معماری باوهاوس ← خانه وانا وونتوری	عملکرد همچنان مهم است، اما تنها عامل تعیین‌کننده نیست	«فرم تابع عملکرد» و تأکید بر کارکرد	عملکرد
ساختمان‌های مدرن اداری تهران ← پروژه‌های معاصر با فناوری پیشرفته و زبان تاریخی	پاویون بارسلونا؛ میس ← مرکز گتی؛ ریچارد میر	فناوری پذیرفته می‌شود، اما الزاماً تعیین‌کننده زبان معماری نیست	فناوری و صنعت از ارکان اصلی معماری هستند	فناوری
ساختمان‌های شیشه‌ای و بتنی دهه ۱۳۴۰-۱۳۵۰ ← نماهای ترکیبی معاصر تهران	ساختمان سیگرام ← ساختمان AT&T؛ فیلیپ جانسون	ترکیب مصالح و استفاده نمادین یا نمایشی از آنها	استفاده صادقانه و منطقی از مصالح جدید مانند فولاد، شیشه و بتن	مصالح
برخی پروژه‌های معاصر تهران مانند پل طبیعت	ساختمان‌های بین‌المللی ← معماری زمینه‌گرای معاصر	توجه بیشتر به زمینه، مکان و تجربه انسانی؛ اما رویکردها متنوع‌اند	کنترل طبیعت و ایجاد محیط مصنوعی متناسب با فناوری	نسبت با طبیعت
طرح‌های توسعه مدرن تهران ← بازگشت به مفهوم محله، خاطره و مکان در برخی پروژه‌های معاصر	شهر رادیانت؛ لوکوروبوزیه ← نوشته‌ها و پروژه‌های آلدوروسی	شهر تاریخی، چندلایه و واجد خاطره و معنا مورد توجه قرار می‌گیرد	شهر به مثابه نظام عقلانی، عملکردی و قابل برنامه‌ریزی	شهر
میدان‌ها و فضاهای عمومی مدرن تهران ← پل طبیعت و فضاهای عمومی پیرامون آن	شهرسازی مدرن ← میدان ایتالیا؛ چارلز مور	توجه به تجربه، تنوع، نماد و خوانایی اجتماعی فضا	سازمان‌دهی عقلانی و عملکردی فضا	فضای عمومی
معماری مدرن نهادی تهران ← بناهای معاصر با ارجاعات تاریخی	پاویون بارسلونا ← میدان ایتالیا	معماری می‌تواند حامل چندین معنا و تفسیر باشد	معنا بیشتر از عملکرد، ساختار و منطق معماری حاصل می‌شود	معنا
معماری بین‌المللی تهران ← معماری پست مدرن دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰	سبک بین‌المللی ← آثار رابرت وونتوری و چارلز مور	پذیرش کثرت زبان‌ها و امکان استفاده هم‌زمان از زبان‌های مختلف	جست‌وجوی زبان جهانی و قابل تعمیم	زبان معماری
ساختمان‌های مدرن تهران ← بناهایی که عناصر ایرانی را بازتفسیر می‌کنند	سبک بین‌المللی ← معماری زمینه‌گرا	تأکید بیشتر بر مکان، تاریخ، فرهنگ و هویت محلی	گرایش به زبان جهانی و کاهش وابستگی به هویت‌های محلی	هویت
برنامه‌های مدرن توسعه شهری ← معماری متکثر معاصر تهران	جنبش مدرن ← وونتوری و اسکات براون	پذیرش تکثر اجتماعی، فرهنگی و معنایی	معماری به عنوان ابزار پیشرفت اجتماعی و عقلانی‌سازی زندگی	رابطه با جامعه

معماری مدرن مینیمال تهران ← نماهای متنوع و تاریخی گرا	میس ون در روهه ← رابرت ونتوری	زیبایی می تواند از تضاد، پیچیدگی، ابهام و تنوع حاصل شود	زیبایی از تناسب، سادگی، نظم، عملکرد و ساختار حاصل می شود	نگاه به زیبایی
آپارتمان های مدرن اولیه ← مجتمع های مسکونی متنوع معاصر تهران	مسکن مدرن استاندارد ← خانه وانا ونتوری	کاربر دارای تجربه، حافظه و خوانش های متنوع	کاربر عقلانی با نیازهای قابل تعریف و استانداردسازی	نگاه به کاربر
ساختمان های بین المللی تهران ← معماری معاصر هویت گرا	سبک بین المللی ← معماری پست مدرن	پذیرش تفاوت های محلی و تکثر فرهنگی در کنار ارتباط جهانی	گرایش به اصول و زبان جهانی معماری	نگرش به جهانی شدن
برج آزادی و موزه هنرهای معاصر تهران به عنوان نمونه های مهم تلفیق مدرنیته و ارجاعات ایرانی	میدان ایتالیا در نئاورلیان	بازخوانی آشکارتر تاریخ، نشانه ها و عناصر ایرانی	تلاش برای ایجاد معماری جدید و گاه ترکیب محدود با عناصر ایرانی	نسبت با هویت
معماری مدرن تهران ← معماری پست مدرن و معاصر تهران	لوکوربوزیه ← ونتوری، مور، گریوز	معماری به مثابه گفت و گو میان گذشته، حال و آینده	معماری به مثابه پروژه ای برای ساختن آینده	مفهوم کلی معماری

جدول ۴. مقایسه جریان های آموزشی و فکری مؤثر بر شکل گیری معماری مدرن و پست مدرن در ایران

نسبت با پست مدرنیسم	نسبت با مدرنیسم	تأثیر بر ایران	معماران مطرح	جریان غالب در کشور	کشور محل دانش آموختگی
محدود یا غیرمستقیم	بسیار قوی و تعیین کننده	تقویت دانش فنی، فن ساختمان، سازه، فناوری و پیوند معماری با مهندسی و صنعت ساختمان	والتر گروپوس، میس ون در روهه، فرای اوتو، گونتر دومنیک	مدرنیسم فنی، صنعتی و سازه محور؛ تأکید بر فناوری، عملکرد، مصالح و عقلانیت ساخت	آلمان
بسیار قوی و تعیین کننده	متوسط و دوسویه یا انتقال یافته	تقویت توجه به تاریخ، شهر، زمینه، هویت و بازخوانی انتقادی سنت در معماری معاصر	آلدوروسی، مانفردو تافوری، ویتوریو گرگوتی، پائولو پورتوگزی	مدرنیسم انتقادی، معماری زمینه گرا، تاریخ گرا و توجه به شهر و هویت	ایتالیا
قوی و قابل توجه	محدود یا غیرمستقیم	تأکید بر طراحی هنری، ترکیب بندی، آموزش آکادمیک و زیبایی شناسی معماری	لوکوربوزیه، ژان نوول، کریستین دو پورتزامپارک، پل ویریلیو	سنت بوزآر؛ معماری به مثابه هنر طراحی، ترکیب بندی، تناسب و زیبایی شناسی آکادمیک؛ سپس مدرنیسم فرانسوی	فرانسه
متوسط و دوسویه یا انتقال یافته	قوی و قابل توجه	تقویت پیوند معماری با توسعه اقتصادی، پروژه های بزرگ مقیاس، بازار، سرمایه گذاری و مدیریت ساخت	فرانک لوید رایت، لویی کان، رابرت ونتوری، فیلیپ جانسون، پیتر آیزنمن	مدرنیسم متأخر، معماری حرفه ای و سازمانی، توسعه، بازار، مدیریت پروژه و پیوند معماری با اقتصاد و سرمایه	آمریکا

دانش آموختگان آلمان عمدتاً بر فن ساختمان، فناوری، سازه، مصالح و عقلانیت فنی تأکید داشتند و معماری را به حوزه

مهندسی و صنعت ساختمان نزدیک می کردند. در مقابل، دانش آموختگان ایتالیا بیشتر به تاریخ معماری، شهر تاریخی،

واقعی تولید ساختمان در اختیار مهندسان، پیمانکاران، سازندگان، توسعه‌دهندگان و سرمایه‌گذاران قرار گرفت.

این گسست در دهه‌های بعد پیامدهای مهمی برای معماری ایران داشت. از یک سو، آموزش معماری نتوانست به اندازه کافی با تحولات فناوری، مصالح جدید، روش‌های ساخت، اقتصاد پروژه و نیازهای واقعی صنعت ساختمان همراه شود؛ و از سوی دیگر، صنعت ساختمان نیز در بسیاری از موارد بدون اتکا به دانش نظری و انتقادی دانشگاه، تحت تأثیر منطق اقتصادی، سرعت ساخت، ارزش زمین و بازده سرمایه حرکت کرد. در چنین شرایطی، فاصله میان آنچه در دانشگاه به‌عنوان «معماری» آموزش داده می‌شد و آنچه در جامعه به‌عنوان «ساختمان» تولید می‌شد، افزایش یافت. ساختمان‌سازی بیش از پیش به یک فعالیت اقتصادی و فنی تبدیل شد، در حالی که معماری در فضای دانشگاهی بیشتر به‌عنوان یک حوزه طراحی، هنر و دانش نظری تعریف می‌شد. از این منظر، کشمکش میان جریان‌های آلمانی، ایتالیایی، فرانسوی و آمریکایی را نباید صرفاً به اختلاف میان چند سبک یا گرایش معماری تقلیل داد. این کشمکش در واقع بازتاب یک مسئله عمیق‌تر در ساختار دانش معماری ایران بود: اینکه معماری باید خود را اساساً به‌عنوان هنر، دانش تاریخی، دانش فنی، حرفه طراحی یا بخشی از صنعت ساختمان تعریف کند. فقدان یک گفت‌وگوی منسجم میان این حوزه‌ها موجب شد که دانشگاه‌ها به‌تدریج از فرایند واقعی تولید ساختمان فاصله بگیرند و صنعت ساختمان نیز از ظرفیت علمی، نظری و انتقادی دانشگاه کمتر بهره‌مند شود. به این ترتیب، یکی از پیامدهای مهم این چندپارگی آن بود که دانشگاه و صنعت ساختمان، به‌جای شکل‌دادن به یک نظام مشترک تولید دانش و ساخت، در دو مسیر نسبتاً مستقل حرکت کردند؛ دانشگاه به سمت نظریه، طراحی و آموزش حرفه‌ای و صنعت به سمت ساخت، اقتصاد و سرمایه. این جدایی بعدها به یکی از زمینه‌های مهم بحران معماری معاصر ایران تبدیل شد؛ بحرانی که در آن میان «معماری به‌مثابه دانش» و «ساختمان به‌مثابه محصول» فاصله‌ای قابل توجه شکل گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های منتهی به دهه ۱۳۵۰، فضای معماری ایران به‌تدریج تحت تأثیر چند جریان آموزشی و فکری متفاوت قرار

هویت، زمینه و تداوم فرهنگی توجه داشتند و بر ضرورت برقراری ارتباط میان معماری جدید و میراث تاریخی تأکید می‌کردند. جریان متأثر از فرانسه، به‌ویژه سنت بوزار، نیز معماری را در چارچوب هنر طراحی، ترکیب‌بندی، تناسب، زیبایی‌شناسی و آموزش آکادمیک دنبال می‌کرد. در این میان، موج جدیدی از دانش‌آموختگان متأثر از آمریکا نیز وارد عرصه حرفه‌ای و دانشگاهی شد که معماری را بیش از گذشته با توسعه اقتصادی، صنعت ساختمان، مدیریت پروژه، بازار، سرمایه‌گذاری و ساخت‌وساز گسترده پیوند می‌داد.

بدین ترتیب، معماری ایران با مجموعه‌ای از گفتمان‌های متفاوت مواجه شد که هر یک بخشی از واقعیت معماری مدرن را نمایندگی می‌کردند، اما میان آنها پیوند نظری و نهادی کافی وجود نداشت. یک جریان، مسئله اصلی را در فناوری و چگونگی ساخت می‌دید؛ جریان دیگر در تاریخ و هویت؛ جریان سوم در کیفیت هنری و زیبایی‌شناختی طراحی؛ و جریان جدیدتر در اقتصاد، توسعه و سازوکارهای تولید ساختمان. این تکرار در شرایطی رخ داد که جامعه ایران با سرعت زیادی در حال شهرنشینی، صنعتی‌شدن و گسترش زیرساخت‌های شهری بود و نیاز به تولید گسترده مسکن، ساختمان‌های اداری، آموزشی، تجاری و فرهنگی روزبه‌روز افزایش می‌یافت. بنابراین، دانشگاه معماری در یک سو با پرسش‌های نظری، تاریخی و زیبایی‌شناختی مواجه بود و صنعت ساختمان در سوی دیگر با مسائل بسیار عینی تولید، فناوری، مصالح، نیروی کار، هزینه، سرعت اجرا و مقیاس ساخت‌وساز روبه‌رو می‌شد.

مسئله از آنجا پیچیده‌تر شد که دانشگاه نتوانست این حوزه‌های مختلف دانش را در یک چارچوب یکپارچه به یکدیگر متصل کند. آموزش معماری به‌تدریج در میان تاریخ، نظریه، طراحی و زیبایی‌شناسی تخصصی‌تر شد، در حالی که بخش قابل توجهی از صنعت ساختمان تحت تأثیر مهندسی، اقتصاد، پیمانکاری، سرمایه‌گذاری و الزامات اجرایی مسیر متفاوتی را طی می‌کرد. در نتیجه، میان «دانش طراحی» و «دانش ساخت» فاصله‌ای شکل گرفت که به مرور از یک تفاوت تخصصی فراتر رفت و به نوعی گسست نهادی میان دانشگاه و حرفه انجامید. دانشگاه بیشتر به تولید معمار، نظریه‌پرداز و طراح پرداخت، در حالی که بخش عمده فرایند

مدرنیسم و پست مدرنیسم را در شش مؤلفه بررسی کرد (جدول شماره ۵)

این جدول نشان می‌دهد که تهران را نمی‌توان به‌سادگی در یکی از دو دسته «مدرن» یا «پست مدرن» قرار داد. بلکه معماری تهران در بسیاری از موارد در یک طیف پیوسته میان مدرنیته، سنت، منطقه‌گرایی و پست مدرنیسم قرار گرفته است. مهم‌ترین یافته پژوهش را می‌توان در مفهوم تقابل ناقص توضیح داد. در تجربه غرب، پست مدرنیسم تا حد زیادی در واکنش به پیامدهای مدرنیسم شکل گرفت. اما در ایران، رابطه میان این دو جریان خطی نبود. از این منظر، مسئله تهران نه انتخاب میان مدرنیسم و پست مدرنیسم، بلکه **ناتمام بودن فرآیند گفت‌وگو میان سنت و مدرنیته** است. این برداشت با مطالعاتی که معماری معاصر ایران را عرصه نوسان میان دو قطب سنت و مدرنیته می‌دانند، هم‌راستا است. نمونه‌هایی مانند پروژه‌های کامران دیبا، نادر اردلان و حسین امانت نیز نشان می‌دهند که امکان شکل‌گیری رویکردی «میان» این دو قطب وجود داشته است؛ رویکردی که نه بازگشت کامل به سنت و نه پذیرش کامل مدرنیسم بود. حتی پروژه ناتمام مرکز شهری تهران لویی کان نیز از منظر پژوهش‌های تاریخی به‌عنوان تلاشی برای مواجهه متفاوت با مدرنیته، تاریخ، هویت و قدرت در زمینه ایران تفسیر شده است.

گرفت که هر یک برداشت خاصی از نسبت میان معماری، جامعه و مدرنیته داشتند. دانش‌آموختگان آلمان عمدتاً بر فن ساختمان، فناوری، سازه و عقلانیت فنی تأکید داشتند؛ دانش‌آموختگان ایتالیا بیشتر به تاریخ معماری، هویت، زمینه و تداوم سنت‌های معماری توجه نشان می‌دادند؛ و جریان متأثر از فرانسه، به‌ویژه سنت بوزار، بر ترکیب‌بندی، زیبایی‌شناسی، طراحی هنرمندانه و آموزش آکادمیک معماری تأکید می‌کرد. در همین دوره، موج جدیدی از معماران و دانش‌آموختگان متأثر از آمریکا نیز وارد عرصه حرفه‌ای و دانشگاهی ایران شد که در کنار فناوری و مدیریت پروژه، بیش از گذشته با مفاهیمی همچون اقتصاد، توسعه، بازار، ساخت‌وساز گسترده و منطق سرمایه‌گذاری پیوند داشتند. در نتیجه، معماری ایران در آستانه دهه ۱۳۵۰ با هم‌نشینی و گاه تقابل چند گفتمان متفاوت مواجه شد: فناوری و صنعت، تاریخ و هویت، زیبایی‌شناسی آکادمیک و اقتصاد و سرمایه. این وضعیت، به‌جای شکل‌گیری یک گفتمان منسجم درباره معماری مدرن ایرانی، به نوعی چندپارگی و تعارض فرهنگی و معماری انجامید؛ تعارضی که بازتاب آن را می‌توان در آموزش معماری، آثار حرفه‌ای، شهرسازی و مناقشات نظری آن دوره مشاهده کرد. از این منظر، بحران بعدی معماری ایران را نمی‌توان صرفاً نتیجه ورود پست مدرنیسم دانست؛ بلکه بخشی از آن ریشه در هم‌زمانی و رقابت گفتمان‌های متفاوتی داشت که هر یک تعریف متفاوتی از «مدرن شدن» ایران ارائه می‌کردند. برای تحلیل معماری تهران، می‌توان رابطه

جدول ۵. مقایسه جریان‌های آموزشی و فکری مؤثر بر شکل‌گیری معماری مدرن و پست مدرن در ایران

وضعیت تهران	پست مدرنیسم	مدرنیسم	مؤلفه
ترکیبی	پیچیدگی و چندمعنایی	سادگی و هندسه	فرم
ترکیبی	ترکیب عملکرد و معنا	اولویت عملکرد	عملکرد
انتخابی	بازگشت به تاریخ	گسست نسبی	تاریخ
ناپایدار	تأکید بر زمینه	گرایش به جهان‌شمولی	زمینه
تلفیقی	فناوری در خدمت بیان	عنصر اصلی	فناوری
مناقشه‌آمیز	هویت تاریخی/چندلایه	هویت جدید/ملی	هویت

روسی، شهر صرفاً محصول توسعه کالبدی یا تغییرات سبک‌شناختی نیست، بلکه مجموعه‌ای از تیپ‌های معماری، مکان‌ها و خاطرات جمعی است که در طول زمان تداوم

تقابل مدرنیسم و پست مدرنیسم در معماری معاصر تهران را می‌توان در پرتو دیدگاه‌های آلدو روسی، مانفردو تافوری و پائولو پورتوگزی صورت‌بندی دقیق‌تری کرد. از منظر آلدو

به‌عنوان تلاش برای بازگرداندن تاریخ و مکان به معماری مدرن فهم کرد. در نتیجه، آثار و رویکردهای میانی در معماری ایران را می‌توان حاصل فرآیندی دانست که در آن تیپ‌های تاریخی، حافظه جمعی، زمینه شهری و نشانه‌های فرهنگی، در مواجهه با منطق مدرنیسم و سپس نقد آن، دوباره به عناصر مؤثر در شکل‌گیری معماری تبدیل شدند.

تحلیل معماری معاصر تهران نشان می‌دهد که تقابل مدرنیسم و پست‌مدرنیسم را نمی‌توان به یک تضاد سبکی یا فرمی تقلیل داد. این تقابل در اصل بازتاب یک مسئله عمیق‌تر یعنی نحوه مواجهه جامعه ایرانی با مدرنیته است. مدرنیسم در ایران در شرایطی ظهور کرد که فرآیند مدرن‌شدن با پروژه‌های دولتی نوسازی و تغییرات سریع اجتماعی همراه بود. این روند، اگرچه زمینه ورود فناوری، دانش و الگوهای جدید معماری را فراهم کرد، در برخی موارد موجب گسست از زمینه تاریخی و فرهنگی نیز شد. واکنش بعدی به این وضعیت، در قالب گرایش‌های سنت‌گرا، بوم‌گرا و پست‌مدرن ظاهر شد. اما این واکنش نیز در بسیاری از موارد به جای بازخوانی عمیق مبانی فرهنگی، به بازتولید عناصر تاریخی در سطح فرم و نما محدود شد.

از این منظر، بحران اصلی معماری معاصر تهران فقدان سنت یا مدرنیته نیست؛ بلکه فقدان یک گفت‌وگوی انتقادی میان این دو است. راهکار پیشنهادی پژوهش، بنابراین، بازگشت به گذشته به معنای بازتولید فرم‌های تاریخی نیست؛ بلکه بازخوانی انتقادی هویت اسلامی-ایرانی به‌عنوان یک نظام زنده از ارزش‌ها، فضاها، روابط اجتماعی، حافظه و معنا است. چنین رویکردی می‌تواند امکان عبور از دوگانه سنت/مدرنیته و مدرنیسم/پست‌مدرنیسم را فراهم کند و معماری تهران را به سمت نوعی مدرنیته زمینه‌گرا و هویت‌محور هدایت کند؛ رویکردی که در آن فناوری و نوآوری با تاریخ، فرهنگ و ویژگی‌های اجتماعی مکان وارد گفت‌وگو می‌شوند. در نتیجه، مسئله آینده معماری تهران نباید این باشد که مدرن باشیم یا

پرسش‌های پیشنهادی برای پژوهش‌های آینده

بر اساس یافته‌های این پژوهش، مطالعات آینده می‌توانند فراتر از تقابل نظری مدرنیسم و پست‌مدرنیسم، به بررسی چگونگی شکل‌گیری یک رویکرد معاصر و زمینه‌مند در معماری تهران بپردازند. مهم‌ترین پرسش‌های پیشنهادی عبارت‌اند از:

می‌یابند و در برابر دگرگونی‌های مدرنیستی مقاومت می‌کنند. از این منظر، معماری معاصر ایران را نمی‌توان صرفاً عرصه تقابل سنت و مدرنیته دانست؛ بلکه باید آن را میدان مواجهه میان الگوهای تاریخی شهر و معماری، حافظه جمعی و پروژه مدرنیزاسیون دانست. در چنین بستری، برخی آثار کامران دیبا، نادر اردلان و حسین امانت را می‌توان تلاش‌هایی برای بازتعریف رابطه میان تیپ، مکان و هویت تاریخی در شرایط جدید دانست؛ آثاری که نه بازگشت به گذشته را دنبال می‌کردند و نه مدرنیسم را به‌صورت کامل و بی‌واسطه می‌پذیرفتند، بلکه در پی ایجاد رابطه‌ای تازه میان میراث تاریخی و الزامات شهر مدرن بودند.

از سوی دیگر، در خوانش مانفردو تافوری، این مسئله را باید در بستر تاریخ، ایدئولوژی و نقد مدرنیسم بررسی کرد. مدرنیته معماری در ایران پدیده‌ای صرفاً زیبایی‌شناختی یا سبکی نبود، بلکه بخشی از پروژه گسترده‌تر نوسازی و بازسازی مناسبات اجتماعی، سیاسی و شهری بود. بنابراین، واکنش معماران به مدرنیسم نیز نمی‌توانست صرفاً به انتخاب میان «سنت» و «مدرنیسم» محدود شود؛ بلکه دربرگیرنده نوعی مواجهه انتقادی با ایدئولوژی مدرنیزاسیون و پیامدهای آن بر تاریخ و هویت معماری بود. در این چارچوب، پروژه ناتمام مرکز شهری تهران لویی کان نیز اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ زیرا می‌توان آن را نمونه‌ای از مواجهه متفاوت با مسئله شهر، تاریخ، هویت و قدرت در زمینه‌ای دانست که مدرنیته در آن با لایه‌های پیچیده تاریخی و اجتماعی روبه‌رو بود.

در ادامه این مسیر، دیدگاه پائولو پورتوگزی درباره پست‌مدرنیسم و بازگشت تاریخ به معماری امکان خوانش دیگری از این تحولات فراهم می‌کند. در این نگاه، عبور از مدرنیسم به معنای نفی کامل آن نیست، بلکه به معنای بازگشت دوباره تاریخ، نشانه، حافظه و زمینه به فرآیند طراحی است. از این منظر، بخشی از معماری معاصر ایران را می‌توان نه در قالب یک انتخاب دوگانه میان سنت و مدرنیته، بلکه پست‌مدرن؟ بلکه باید این پرسش را مطرح کند که: چگونه می‌توان مدرنیته را در بستر هویت اسلامی-ایرانی بازتعریف کرد، بدون آنکه به تقلید از غرب یا بازتولید صوری گذشته فروکاسته شود؟

۱. چگونه می‌توان هویت اسلامی-ایرانی را از سطح نشانه‌ها و عناصر صوری به یک چارچوب فضایی، اجتماعی و فرهنگی برای طراحی معماری معاصر تبدیل کرد؟
۲. چگونه می‌توان نقد تاریخی و ایدئولوژیک تفسیری مانفردو تافوری را با رویکرد پست‌مدرن پائولو پورتوگزی به تاریخ، کثرت‌گرایی و ارتباط در یک چارچوب تحلیلی واحد تلفیق کرد؟
۳. آیا معماری معاصر تهران در مواجهه با مدرنیسم و پست‌مدرنیسم توانسته است از تقلید صوری فراتر رفته و به بازتعریف انتقادی هویت معماری دست یابد؟
۴. چه مؤلفه‌هایی از هویت اسلامی-ایرانی—مانند حافظه جمعی، حریم، آستانه، حیاط، رابطه درون و بیرون، اقلیم و اجتماع—می‌توانند در معماری معاصر بدون تبدیل‌شدن به بازنمایی نوستالژیک یا تزئینی بازتفسیر شوند؟ و چگونه؟

تشکر و قدردانی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تأییدیه‌های اخلاقی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

سه‌م نویسندگان: نویسنده اول، نگارنده مقدمه/ پژوهشگر اصلی/ نگارنده بحث (۵۰٪)؛ نویسنده دوم، پژوهشگر کمکی/ تحلیلگر/ روش‌شناس (۵۰٪).

منابع مالی / حمایت‌ها: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

حمایت‌ها: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع: تعارض منافی میان نویسندگان وجود ندارد.

References

- [1]. Saleh's (AS) Adjacent Texture. *Naqshejahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2020 May 10;10(1):63-74. [Persian] Available from: https://bsnt.modares.ac.ir/article_880.html
- [2]. Riyahizadeh M, Falamaki M, Pourzargar M. Reading the Relationship between Historicism and the Concept of Identity in the Modern Architecture Heritage of Tehran (1310-1320). *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2022 Sep 10;12(3):1-21. https://bsnt.modares.ac.ir/article_943.html?lang=en
- [3]. Ghomeshi M, Pourzargar M, Mahdavinejad M. A Healthy Approach to Post-COVID Reopening of Sugar Factory of Kahrizak, Iran. In *INTERNATIONAL SYMPOSIUM: New Metropolitan Perspectives 2022* (pp. 2638-2647). Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-031-06825-6_252
- [4]. Mahdavinejad M, Hosseini SA. Data mining and content analysis of the jury citations of the Pritzker Architecture prize (1977–2017). *Journal of Architecture and Urbanism*. 2019 Feb 1;43(1):71-90. <https://doi.org/10.3846/jau.2019.5209> Available: <https://journals.vilniustech.lt/index.php/JAU/article/view/5209>
- [5]. Diba D. Contemporary architecture of Iran. *Architectural Design*. 2012 May;82(3):70-9. <https://doi.org/10.1002/ad.1406>
- [6]. Alizadeh F, Motamedmanesh M, Daneshjoo K. Tehran's Modern Architectural Heritage: The Challenge of Preservation, Contemporization and Private Ownership. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2025 Jul 10; 15(2):63-82. Available from: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-79668-fa.html>
- [7]. Fardpour S, Dolatabadi F, Mahdavinejad M. Contemporization of the Concept of Semantic Authenticity in Tehran's Architectural Cityscape. *Hoviatshahr*. 2022 Jun 22;16(2): 5-16. <https://doi.org/10.30495/hoviatshahr.2022.17740>
- [8]. Mahdavinejad M, Shahri S. Contemporization of Tehran Traditional Architecture by Parametric Algorithm. *Hoviatshahr*. 2015 Feb 20; 8(20):31-44. [Persian] Available: http://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article_6419_697f157aebfd2e62eeb7b8574b770aeb.pdf
- [9]. Iranishad A, Habib F. Reconnection to Context: Place-based Contemporization and Reuse of Tehran Valuable Houses. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2021 Jun 10;11(2):1-26. [Persian] <https://dori.net/dor/20.1001.1.23224991.1400.11.2.1.6>. Available at: <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-52189-en.html>
- [10]. Aghaeimehr M, Gharehbaglou M. Identity-Based Contemporization; Case Study: Iran Contemporary Urban Districts in Pahlavi Era. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2020 May 10;10(1):11-18. [Persian] <https://dori.net/dor/20.1001.1.23224991.1399.10.1.5.1>. Available at: <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-39835-en.html>
- [11]. Mazaherian H, Keynoosh A, Keynoosh A. Endogenous versus Conventional Approach to Residential Development in Revitalize Urban Identity of Iranian Islamic Architecture. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2017 Apr 10;7(1):1-12. [Persian] <https://dori.net/dor/20.1001.1.23224991.1396.7.1.7.2>. Available at: <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-6130-en.html>
- [12]. Riahizadeh M, Falamaki M, and Pourzargar M. Reading the Relationship between Historicism and the Concept of Identity in the Modern Architecture Heritage of Tehran (1310-1320). *Naqshejahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2022;12(3):1-21. <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-60342-fa.html>
- [13]. Mehan A. "Tabula Rasa" planning: creative destruction and building a new urban identity in Tehran. *Journal of Architecture and Urbanism*.

- 2017;41(3):210–220.
<https://doi.org/10.3846/20297955.2017.1355277>
- [14]. Abedini H, Ayyazian S, Diba D. Explaining the Theoretical Model for the Role of Architecture in Enhancing the Physical Qualities of Public Spaces as Contemporary Urban Heritage. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2024; 14(3):43-62. [Persian] Available at: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-75267-fa.html>
- [15]. Bayzidi Q, Etesam I. Explanation of Regionalistic Viewpoints & their Evolution in Contemporary Architecture. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2013 Apr 10;3(1):7-18. [Persian] <https://dori.net/dor/20.1001.1.23224991.1392.3.1.7.4>. Available at: <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-9498-en.html>
- [16]. Latifi M, Daneshjoo K. The Creation of an Architectural Work within the Creation of the Universe Regarding the Holy Quran. *Naqshejahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2016 Sep 10; 6(2): 5-15. [Persian] <https://dori.net/dor/20.1001.1.23224991.1395.6.2.3.3>. Available: <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-4862-en.html>
- [17]. Latifi M, Diba D. Data Mining of the Spatial Structure of Qajar Native Housing; Case Study: Jangjouyan House of Isfahan. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2020 Oct 10;10(3):163-71. [Persian] <https://dori.net/dor/20.1001.1.23224991.1399.10.3.7.7>. Available: <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-43890-en.html>
- [18]. Latifi M, Mahdavinejad M, Diba D. The Home Architecture Data Mining from a Spatial Structure Perspective (Case Study: Jangjouyan House). *International Journal of Applied Arts Studies (IJAPAS)*. 2020 Aug 16;5(1):57-76. Available: <http://www.ijapas.com/index.php/ijapas/article/view/279>
- [19]. Latifi M, Mahdavinejad M. Contemporization of Isfahan Indigenous Housing Model based on Analysis of non-Morphic Relationships of Plan, Case Study: Jangjouyan House. *Journal of Iranian Architecture Studies*. 2022 Sep 13; 11(21): 185-203. <https://doi.org/10.22052/jias.2022.245859.0> Available: https://jias.kashanu.ac.ir/article_112789.html?lang=en
- [20]. Latifi M, Mahdavinejad M, Pimenta Do Vale C, Iannaccone G. Asymmetric Symmetry: Reinterpretation of Hidden Dimensions of Persian Geometry in Qajar Houses of Isfahan. *Armanshahr Architecture & Urban Development*. 2023 Nov 19;16(44):15-27. doi: 10.22034/AAUD.2023.340811.2662 Available: https://www.armanshahrjournal.com/article_183484.html?lang=en
- [21]. Daneshjoo K, Farmahin Farahani S. Geometry in Pre-Islamic Iranian Architecture and its Manifestation in Contemporary Iranian Architecture. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2013 Apr 10;3(1):55-66. [Persian] <https://dori.net/dor/20.1001.1.23224991.1392.3.1.3.0>. Available at: <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-6205-en.html>
- [22]. Diba D, Dehbashi M. Trends in modern Iranian architecture. *J Iran Archit Chang Soc*. 2004;31-41. Available at: <https://b2n.ir/a12379>
- [23]. Diba D. L'Iran et l'architecture contemporaine. *Mimar* (Singapore). 1991;38:20-25. [French] Available at: francis.inist.fr/vibad/index.php?action=getRecordDetail&idt=19648743
- [24]. Mahdavinejad M, Tahbaz M, Dolatabadi M. Optimization of Properties and Light Shelf System in Architecture of Learning Building. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*. 2016 Aug 22;21(2):81-92. Available: https://jfaup.ut.ac.ir/article_60164_en.html
- [25]. Mahdavinejad M, Hashemin SA, Nasr T, Galil MI, Shaeri J, Garcia EH, Bazazzadeh H. Effect of tree characteristics on visual-thermal comfort; case study: Retiro Park, Madrid. *Results in Engineering*. 2025 Oct 10;107673. <https://doi.org/10.1016/j.rineng.2025.107673>
- [26]. Mahdavinejad M, Hepf C, Berardi U, Auer T. Data-Driven Prioritization of Visual-Thermal Comfort Hotspots: An Integrated Approach to Highperformance Office Buildings. *Solar Compass*, 19, pp. 100169–100169. Available at: <https://doi.org/10.1016/j.solcom.2026.100169>
- [27]. Omraniazizabad S, Mahdavinejad M. Weighted 3D visibility graph: A distance-based extension of visibility graph analysis. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*. 2026 Jul 4. <https://doi.org/10.1177/23998083261465711>
- [28]. Zamanian SM, Latifi M, Baharvand M, Mahdavinejad M. Multi-Criteria Evaluation of South Classroom Windows Forms in BWh Climate: Daylight Performance, View Quality and Energy Efficiency. *Journal of Daylighting*. 2026

- Sep 10; 13(2):521-536. <https://doi.org/10.15627/jd.2026.29>
- [29]. Habibi R, De Meulder B. Architects and "Architecture without Architects": modernization of Iranian housing and the birth of a new urban form Narmak (Tehran, 1952). *Cities*. 2015;44:90–99. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2015.03.005>. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2015.03.005>
- [30]. Jafarbegloo M. How modernization encounter tradition: Iranian housing development in the Second Pahlavi period in Tehran (1940–1970). *YBL Journal of Built Environment*. 2018;6(1). <https://doi.org/10.2478/jbe-2018-0008>. <https://doi.org/10.2478/jbe-2018-0008>
- [31]. Mohamadzade R, Javanroudi K. Redesign of Collective and Private Spaces of Public Apartments to Enhancing Social Health in Iranian-Islamic Structure; Case study: Baharestan 2 complex, Sanandaj. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2016 Sep 10;6(2):36-47. [Persian] <https://dori.net/dor/20.1001.1.23224991.1395.6.2.7.7>. Available: <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-8717-en.html>
- [32]. Mahdavejad M, Ansari M, Samadzadeh S, Rafiei S, Mousavi K, Estakhr F. Contemporizing Valuable Urban Districts Regarding to Educating Environment Paradigms, Case: Yazd, Iran. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 2014 Feb 21;116:4406-10. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.01.956>
- [33]. Amani M, Irene Del Monaco A, Nencini D. Analyzing the possibility of using the theory of Gustavo Giovannoni as a model of action in the old context of the historical city of Tabriz. *Naqshejahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2024 Jan 10;13(4):1-24. Available at: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-72846-en.html>
- [34]. Evers B, Thoenes C, editors. *Architectural theory: from the Renaissance to the present: 89 essays on 117 treatises*. Köln: Taschen; 2003. https://books.google.com/books/about/Architectural_Theory.html?id=V5OK-Yw-A3cC
- [35]. Memarian Gh, and Tabarsa M. Typology and Classification of Architecture. *Iranian Journal of Architecture and Urban Planning*. 2013 March 10;6:103-114. https://www.isau.ir/article_61978.html
- [36]. Etesam I. Contemporary Iranian architecture, topics in contemporary Iranian architecture [Dissertation]. Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Branch; 2007. <http://digitalthesis.srbiau.ac.ir/Diglib/WebUI/Log in.aspx>
- [37]. Behnava B. and Pourzargar M. Examining the role of new technologies on the formal framework of selected buildings of contemporary Iranian architecture 1981-2021. *Naqshejahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2023;13(1):30-47. <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-63875-fa.html>
- [38]. Behnava B, Pourzargar M. Impact of New Materials on Dynamics of Four Recent Decades in Iranian Architecture 1980-2020. *Naqshejahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2021 Nov 10;11(3):49-66. [Persian] Available from: https://bsnt.modares.ac.ir/article_918.html?lang=en
- [39]. Mahdavejad M. Discourse of High-Performance Architecture: A Method to Understand Contemporary Architecture. *Hoviatshahr*, 2017 Aug 23;11(2):53-67. [Persian] Available: http://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article_10930_79f91b76bac9a77aba9d4aff60465705.pdf
- [40]. Mahdavejad, M. Conceptualization of Highperformance Architecture Theory to Explain Revivalist Trends in Developing Countries. *Rahppoye, Hekmat-e Honar*, 2022; 1(1): 27-38. <https://doi.org/10.22034/rph.2022.697030>
- [41]. Bolouhari S, Barbera L, Etesam I. Learning Traditional Architecture for Future Energy-Efficient Architecture in the Country; Case Study: Yazd City. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2020 Sep 10;10(2):85-93. [Persian] <https://dori.net/dor/20.1001.1.23224991.1399.10.2.3.1>. Available at: <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-39832-en.html>
- [42]. Mahdavejad M, Zia A, Larki AN, Ghanavati S, Elmi N. Dilemma of green and pseudo green architecture based on LEED norms in case of developing countries. *International Journal of Sustainable Built Environment*, 2014 Dec 1;3(2):235-46. <https://doi.org/10.1016/j.ijse.2014.06.003>
- [43]. Mahdavejad GH, Moshari M. Healthy City and Responsible Citizen: A Comprehensive Framework for Synergizing Islamic Ethics and Environmental Education. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2025; 15(4): 175-192. [Persian] Available from: https://bsnt.modares.ac.ir/article_28529.html?lang=en
- [44]. Tahmouri A. Mansouri B. and Azizi Sh. Iconic Aspect of Technology in Production of Heritage of Contemporary Architecture.

- Naqshejahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning. 2022;12(3):22-41.
<https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-61722-fa.html>
- [45]. Mahdaveinejad M, Javanroodi K. Natural ventilation performance of ancient wind catchers, an experimental and analytical study—case studies: one-sided, two-sided and four-sided wind catchers. *International journal of energy technology and policy*, 2014 Jan 1;10(1):36-60. <https://doi.org/10.1504/IJETP.2014.065036>
- [46]. Mahdaveinejad M, Masoudi Tonekaboni S. Self-Shading and Highperformance Architecture; Case Studies: Configuration of Contemporary Buildings of Tehran. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 2019; 11(25): 201-208. Available:
http://www.armanshahrjournal.com/article_85091_en.html
- [47]. Mahdaveinejad M, Shahri S. Contemporization of Tehran Traditional Architecture by Parametric Algorithm. *Hoviatshahr*. 2015 Feb 20; 8(20):31-44. [Persian] Available at:
http://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article_6419_697f157aebfd2e62eeb7b8574b770aeb.pdf
- [48]. Majidi V, Hossieni SR, Haghir S, Mahdaveinejad M, Salehi K. Discourse of Authenticity and Technology in the Theory of High-Performance Architecture: An Analytical Approach to the Concept of Innovation in Monumental Buildings. *Bagh-e Nazar*. 2026 Aug 23; 23(159):61-84. <https://doi.org/10.22034/bagh.2026.519183.5802>
- [49]. Mahdaveinejad M, Gharaati F, Galil MI. Anticipating the Future of Iranian Cities: High-Tech Versus Nature-Based Solutions. In *Cities as Anticipatory Systems* 2025 Feb 18 (pp. 103-125). Cham: Springer Nature Switzerland. https://doi.org/10.1007/978-3-031-78162-9_7
- [50]. Hassanisaleh S, Etessam I, Zabihi H. Media Beauty of Architectural Technology in Selected Monuments in Contemporary Architecture of Iran. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2021 Apr 10;11(1):37-52. [Persian] Available at:
https://bsnt.modares.ac.ir/article_903.html?lang=en
- [51]. Mahdaveinejad M. Analysis of wind in Nishtafun windmills: an empirical simulation. In: Franke KA, Stöllner T, Nezafati N, Mishmastnehi M, Kehl M, editors. *ResourceScapes in the Iranian Highlands: Soils, Water, Wind and Minerals as Factors of Appropriation and Integration*. Leiden: Sidestone Press; 10 December 2025. <https://doi.org/10.59641/dd812gp>
- [52]. Mashhadi Abolghasem Shirazi, M., Diba, D., Mahdaveinejad, M. Economy-based Contemporization and Preservation of Contemporary Architectural Heritage; Strategies for Action in Residential Buildings from the 1950s to the 1970s. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*. December 2023; 20(126): 69-80. https://www.bagh-sj.com/article_181097.html?lang=en
- [53]. Iranishad A, Habib F, Mahdaveinejad M. Contemporization of Historical Neighborhoods with the Aim of Urban Spaces Place Making. *Urban Management Studies*. 2019 Feb 20; 10(36): 41-60. [Persian] Available at:
http://ums.srbiau.ac.ir/article_13939.html?lang=en
- [54]. Akbari A. *A study of transformation of Iranian modern architecture: evolution of façade design in public building in Tehran since 1920s to present* [master's thesis]. Famagusta: Eastern Mediterranean University; 2020. <https://i-rep.emu.edu.tr/items/3ffd8dc5-8a64-4dba-b476-d5b2091ced1f>
- [55]. The Beaux-Arts system and the construction of Iranian architectural modernism in the twentieth century. *Journal of the Society of Architectural Historians*. 2025;84(1):39-63. <https://doi.org/10.1525/jsah.2025.84.1.39>
<https://doi.org/10.1525/jsah.2025.84.1.39>
- [56]. Amini N. The aesthetic resistance of Iranian architects and artists during the late Pahlavi era. *Studies in History and Theory of Architecture*. 2020;8:197-212. <https://doi.org/10.54508/sITA.8.15>
- [57]. Diba D. Contemporary architecture of Iran. *Architectural Design*. 2012 May;82(3):70-9. <https://doi.org/10.1002/ad.1406>
- [58]. Gharaati F, Saijō T, Hirasawa T, Sho K, Mahdaveinejad M. Imaginary future generations in sustainable adaptive reuse of industrial heritage sites: A participatory futuristic approach in Japan. *Habitat International*. 2026 Apr 1;170:103742. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2026.103742>
- [59]. Kia A, Mahdaveinejad M. Interactive Form-Generation in High-Performance Architecture Theory. *International Journal of Architecture and Urban Development*. 2020; 10(2):37-48. Available:
http://ijaud.srbiau.ac.ir/article_15848_b1ba4e84fbe133b34ad35f7a46febfe2.pdf
- [60]. Jencks C. Why Critical Modernism?. *Architectural Design*. 2007 Sep;77(5):140-5. <https://doi.org/10.1002/ad.534>

- [61]. Jencks C. The iconic building is here to stay. *City*. 2006 Apr 1;10(1):3-20. <https://doi.org/10.1080/13604810600594605>
- [62]. Tafuri M. L'éphémère est éternel: Aldo Rossi in Venice. *Domus* [Internet]. 2023 May 2 [cited 2026 Sep 15]. Available from: <https://www.domusweb.it/en/from-the-archive/2023/05/02/aldo-rossis-teatro-del-mondo-in-venice.html>
- [63]. Micheli S, Szacka L-C. *Paolo Portoghesi: Architecture between History, Politics and Media*. 1st ed. London: Bloomsbury Visual Arts; 2023. 232 p. ISBN: 9781350117136. Available from: <https://www.bloomsbury.com/uk/paolo-portoghesi-9781350117136>
- [64]. Scatena D. Il centro culturale e la moschea di Roma tra natura, geometria e storia / The Cultural Centre and Mosque in Rome between nature, geometry, and history. *DAR: Rivista internazionale di architettura nel mondo islamico*. 2024;6:60-71. Available from: <https://hdl.handle.net/11573/1735319>
- [65]. Di Salvo S. Memoria islamica: il rumore dell'acqua / Islamic memory: the sound of water. *AGATHÓN: International Journal of Architecture, Art and Design*. 2017;2:109-116. doi:10.19229/2464-9309/2152017. Available from: <https://doi.org/10.19229/2464-9309/2152017>
- [66]. Askari A, Mahdavinejad M, Ansari M. Investigation of displacement ventilation performance under various room configurations using computational fluid dynamics simulation. *Building Services Engineering Research and Technology*. 2022 May 7;43(5):627-643. <https://doi.org/10.1177/01436244221097312>
- [67]. Daneshjoo K, Mirhosseini SM, Mahdavinejad M. An Introduction to the Naturalism in Examples of Contemporary Iranian Architecture. *Hoviatshahr*. Winter 2015; 9(23): 83-90. Available at: <https://sanad.iau.ir/en/Article/795498>
- [68]. Mahdavinejad M, Abedi M. Community-oriented landscape design for sustainability in architecture and planning. *Procedia Engineering*. 2011; 21: 337-44. <https://doi.org/10.1016/j.proeng.2011.11.2024>
- [69]. Damir M, Oevermann H, Meyer M, Mahdavinejad M, Elmouelhi H. Sites of Modern Industrial Heritage in Egypt and Iran: Local, National, and International Relevance for Conservation and Reuse. *Docomomo Journal*. 2024 Jul 1(71):4-12. <https://doi.org/10.52200/docomomo.71.02>
- [70]. Daneshmandi M, Tizghalam Zonouzi S. and Mirshahzadeh Sh. Investigation and analysis of the state of contemporarization of contemporary buildings (1320 to 1345) in Tehran metropolis. *Naqshejahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*. <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-71071-fa.html>
- [71]. Fardpour S. Confrontation and interaction of semantic authenticity and modern building materials in today's Iranian architectural works. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2022;12(3):42-62. <https://dori.net/dor/20.1001.1.23224991.1401.12.3.7.1>. Available: <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-59859-en.html>
- [72]. Gharaati F, Mahdavinejad M, Nadolny A, Bazazzadeh H. Sustainable Assessment of Built Heritage Adaptive Reuse Practice: Iranian Industrial Heritage in the Light of International Charters. *The Historic Environment: Policy & Practice*. 2023 Oct 4:1-35. <https://doi.org/10.1080/17567505.2023.2261328>
- [73]. Verovšek PJ, Burdman J. Between Habermas and Lyotard: rethinking the contrast between modernity and postmodernity. *Theory, Culture & Society*. 2024;41(3):71-88. <https://doi.org/10.1177/02632764231194483>
- [74]. UNESCO World Heritage Centre. Golestan Palace: Nomination dossier [Internet]. Paris: UNESCO; 2013 [cited 2026 Sep 15]. Available from: https://whc.unesco.org/uploads/nominations/142_2.pdf
- [75]. Mehdipour H, Namvarrad MR, Farzaneh F. Ornament in contemporary Iranian architecture (case study: prominent buildings in Tehran after the Islamic Revolution). *Arts*. 2018;7(1):1. <https://doi.org/10.3390/arts7010001>

